




Examining the Connection Between the Keywords of Identity and Art in the Perspective of Ayatollah Khamenei

Gholamreza Kafi

associate Prof of Persian Language and Literature of Shiraz University.

ghkafi@shirazu.ac.ir

 0000-0000-0000-0000

Abstract

Identity and its various forms are emerging topics in the fields of philosophy, history, sociology, and politics. This concept, along with the component of art, constitutes the two main keywords of this article, in which we have attempted to examine their connection in the perspective of Ayatollah Khamenei. This research, based on source research and library study, has been conducted by carefully analyzing the statements of Ayatollah Khamenei from 1989 to 2019, spanning a thirty-year period. By explaining identity and its forms, as well as defining and describing the types of art, we have ultimately explored how these two components are interconnected in this perspective. The findings indicate that national and religious identities in this perspective have significant alignment, and national interests are defined solely in the context of national identity. Cultural identity holds unparalleled dominance over other forms, and revolutionary identity serves as the language of national, religious, and cultural identities. Art is considered a divine gift and, in this perspective, carries a mission akin to the prophetic mission. One of the nuanced points in this view is the mutual service of identity and art, where art, as an effective and influential tool, must serve the element of identity.

Keywords: Ayatollah Khamenei, Identity, Art, National Identity, Committed Art.





مقاله پژوهشی

بررسی پیوند کلید واژه‌های هویت و هنر در نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای

غلامرضا کافی

دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز.

ghkafi@shirazu.ac.ir

0000-0000-0000-0000

چکیده:

هویت و گونه‌های آن مبحثی نوپدید در عرصه علوم فلسفه، تاریخ، جامعه‌شناسی و سیاست به حساب می‌آید. این مفهوم به همراه مؤلفه هنر، دو کلیدواژه اصلی این مقاله‌اند که تلاش کرده‌ایم چگونگی پیوند آن‌ها را در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای بررسی کنیم. این پژوهش که بر بنیان منبع پژوهی و تحقیق کتابخانه‌ای استوار است، با درنگ و تحقیق در سخنان آیت‌الله خامنه‌ای از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸، در بازه‌ای سی‌ساله، صورت گرفته است و با تبیین هویت و گونه‌های آن و تعریف و توصیف گونه‌های هنر، نهایتاً چگونگی پیوند این دو مؤلفه با یکدیگر را در این دیدگاه بررسی کرده‌ایم. یافته‌ها نشان می‌دهد هویت ملی و دینی در این دیدگاه هم‌سویی قابل توجهی دارند و منافع ملی، فقط در راستای هویت ملی تعریف می‌شوند. هویت فرهنگی اشراف بلامنازع بر سایر گونه‌ها دارد و هویت انقلابی زبان هویت‌های ملی، دینی و فرهنگی است. هنر، عطیه‌ای الهی است و در این دیدگاه مأموریتی از نوع رسالت انبیا دارد. از نکات دقیق این نظرگاه خدمت دوسویه هویت و هنر است و هنر به‌عنوان ابزاری کارآمد و اثرگذار باید در خدمت عنصر هویت باشد.

واژگان اصلی: آیت‌الله خامنه‌ای، هویت، هنر، هویت ملی، هنر متعهد.



دسترسی به مقالات نشریه علمی مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی (Open Access) است.

نشریه علمی «مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی» تحت مجوز بین‌المللی



CC BY 4.0

Doi: 10.22034/irsj.2024.428369.1023

مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشریه مطالعات راهبردی انقلاب اسلامی نمی‌باشد.

مقدمه

شناخت «خود»، شاید نخستین کنش ذهنی بشر باشد. بر این پایه می‌توان آغاز شناخت و درنگ اندیشگانی آدمی را خودشناسی دانست. از این رو موضوع هویت، جایگاه و پایگاه شایسته‌ای می‌یابد و ضرورت و اهمیت پرداختن به آن را نمایان می‌سازد؛ هرچند که اهل نظر معتقدند مباحث پیرامون هویت، به شکل امروزی آن بسیار متاخر است. «هویت از مباحث مهم علوم اجتماعی است و در رشته‌های گوناگون نظیر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از آن بهره‌برداری می‌شود. با این همه، پیشینه مکالمات مربوط به هویت ملی چندان زیاد نیست. هویت ملی در قرن بیستم وارد مباحث علوم اجتماعی شد» (احدی، ۱۳۸۸: ۴۰).

هرچند کلیدواژه هویت، امروزه در حوزه علوم اجتماعی و نیز علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از اهمیت و بسامد بالایی برخوردار است و تقسیمات متعددی از جمله هویت ملی، هویت دینی، هویت تاریخی، هویت فرهنگی، هویت قومی و ... را به خود دیده است، به نظر می‌رسد این مفهوم و مؤلفه‌های در پیوند با آن، در عصر استعمارگری و البته استعمارستیزی، به‌ویژه در بافتار علوم سیاسی، کارکرد پر بسامد و مهمی یافته‌اند. آنچه در این مقاله نیز مطرح خواهد شد، در همین مقوله می‌گنجد؛ همچنین در نظر داریم، با تبیین نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای در باب دو کلیدواژه «هویت و هنر»، پیوند این دو را در دیدگاه ایشان نشان دهیم. چرا که معتقدیم یکی از عمده‌ترین تجلی‌گاه‌های هویت و مؤلفه‌ها و مناسبات آن، هنر است. هنر ظرف گرامی و گرانقدری است که اندیشه‌های متعالی بشری غالباً از آن برای بازنمایی، نکوداشت و البته حراست و پاسداشت خود سود می‌برند. در این میان با توجه به عنایت ویژه آیت‌الله خامنه‌ای به هنر و کارکرد آن، این موضوع اهمیت دوچندان می‌یابد. هنر در ذات خود مفهوم هویت دارد و این دقیقه‌ها اهمیت پیوند هویت و هنر را به‌خوبی نمایان می‌سازد و وجه اهمیت و ضرورت پرداختن به موضوع را برای مقاله حاضر روشن می‌کند.

مسئله تحقیق

آنچه ما در این مقاله به دنبال پاسخ به آن هستیم این است که اولاً، دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، به‌عنوان یک متفکر معاصر اسلامی که اتفاقاً در موقعیت سیاسی بالایی نیز قرار دارند، در باب هویت ملی و کارکرد هنر چیست و در مرحله بعد، دریابیم پیوند این دو مؤلفه در سخنان

ایشان چگونه است؟ اهمیت پرداختن به محور اول کار از این جهت است که موضوع هویت ملی و فرامود آن در حقیقت، عزت ملی، اعتماد به نفس ملی و نهایتاً منافع ملی را در پی دارد. هم این که چالش امروزی «بحران هویت» به‌ویژه در کشورها و ملت‌های بازمانده و به اصطلاح توسعه نیافته، ضرورت پرداختن به موضوع را نمایان می‌کند. بحران هویت در واقع عبارت است از حیرت و پریشانی فکر و اصحاب اندیشه در میان شکوه بی‌مثال گذشته و بازماندگی امروز ایران در قبال رشد مدنی و صنعتی جامعه غرب، به نظر می‌رسد مطالعه در احوال ملل غربی که ظاهراً موفقیت امروز خود را در سکولاریزه کردن جامعه معرفی می‌کنند، برخی اندیشمندان شرقی را به این فکر وا می‌دارد که عامل بازماندگی همانا پابندی جامعه و حتی حکومت‌ها در مشرق زمین به دین و باورهای کهن و سنتی ایده محور است. این تفکر البته انگیزه بیرونی کارآمدی نیز دارد که همانا القای تعدادی از شرق‌شناسان و بلکه سیاست‌مداران غربی است. نقطه تضارب این دیدگاه با نظر آیت‌الله خامنه‌ای همین جاست. چرا که ایشان معتقدند اولاً، کارکرد کلیسا و مسیحیت در زندگی پیروان خود، هرگز به گونه شریعتی مثل اسلام نیست و اسلام در اندیشیدن به انسان و جنبه‌های مختلف حیات او، بسیار مرفقی‌تر از کلیساست و این را از احکام و دستورهایی که برای زندگی فرزانه و متعال او وضع کرده، می‌توان دریافت (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۹/۰۱/۰۳)؛ از دیگر سو «نظریه‌سازی استعماری» (افتخاری، ۱۳۹۳: ۳۴) با هدف انکار هویت ملی جوامع تحت سلطه صورت می‌گیرد تا ابتدا آنان را از اعتبار و هویت ملی تهی کند، سپس تمام منافع و امور آن ملت‌ها را در مشت خود گیرد. با این درنگ کوتاه، روشن می‌شود که مؤلفه هویت ملی البته اهمیت دارد و فراتر از آن چالش بحران هویت است که باید به آن پاسخ داد. بر این اساس در مقاله حاضر، ابتدا هویت‌مندی را که در دیدگاه رهبری انقلاب تبیین شده است، معرفی خواهیم کرد؛ سپس حضور آن و فرامودهای حضور آن را نشان خواهیم داد و سپس به موضوع هنر و کارکرد آن در تبیین و تثبیت هویت ملی و سایر جنبه‌های هویت، نظیر هویت دینی، هویت فرهنگی و هویت انقلابی خواهیم پرداخت و پیوند این دو مؤلفه یعنی هویت و هنر را از منظر آیت‌الله خامنه‌ای نشان خواهیم داد.

این تحقیق بر شیوه کتابخانه‌ای و منبع پژوهی استوار است و با استفاده از منابعی همچون «حدیث ولایت» و مجموعه سخنان آیت‌الله خامنه‌ای از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۸، ابتدا دو کلیدواژه

اصلی یعنی هویت و هنر را جست‌وجو کرده و پس از تدوین داده‌ها، به تحلیل و تنظیم یافته‌ها پرداخته‌ایم.

۱. پیشینه پژوهش

همان‌گونه که اشاره شد، حضور اصطلاح هویت و بحث‌های پیرامون آن، در ادبیات سیاسی یا اجتماعی و فرهنگی بشر چندان دیرینه نیست، این البته به این معنی نیست که موضوع آن و حتی طرح آن در آثار و نگاه‌های بشر، بی‌سابقه و بدون پیشینه باشد. اما نگاه پیشینیان، یعنی روزگار پیشامدرنی، به هویت آن‌گونه است که گویی هویت را نوعی ذات‌گرایی و هستی‌گرایی می‌انگاشته‌اند و بنا به تعریف‌های دگر، آدمی تصویری بود که از چشم خدایان یا خداوند دیده می‌شد و هویت او محصول کارکرد یک نظام مقتدر و از پیش تعیین شده باورهای دینی و اساطیری بود.

(فوکویاما، ۱۳۹۸) با کتاب «هویت»، یکی از نامدارترین شخصیت‌های علمی جهان در این حوزه به حساب می‌آید. این نویسنده ژاپنی - آمریکایی که اینک نزدیک به هفتادسال سن دارد، در کتاب خود، شکل‌گیری هویت را از افلاطون گرفته تا لاک، روسو، فمینیسم و سیاست جنسیتی جدید ردیابی می‌کند تا اخطاری اکید بدهد که اگر درکی عام از کرامت انسان ایجاد نکنیم، محکوم به تحمل کشمکش دائمی هستیم. وی همچنین معتقد است سیاست در جهان امروز براساس تقاضای هویت تعریف می‌شود.

(اشرف، ۱۳۹۵) در کتاب خود پس از بررسی کوتاه دیدگاه‌های در پیوند با هویت قومی و ملی که بازسازی هویت ایرانی بر اساس آن شکل گرفته، تحول تاریخی هویت ایرانی در چند دوره متمایز تاریخی را بررسی و تحلیل می‌کند. دوران پیش از اسلام، سده‌های میانی اسلامی و هویت شیعی ایرانی عصر صفویه و سرانجام پیدایش هویت ملی در قرن‌های نوزدهم و بیستم میلادی از آن جمله است.

(افروغ، ۱۳۸۷) در کتاب «هویت ایرانی و حقوق فرهنگی» تلاش کرده است تا با طرح عنوان حقوق فرهنگی و ارائه تعریفی خاص از فرهنگ، پاسخگوی پرسش‌هایی از قبیل رابطه فرهنگ و سیاست باشد. تبادل فرهنگی و چگونگی انجام آن، مدیریت فرهنگی یا مهندسی فرهنگی، جوان و هویت و حقوق فرهنگی از دیگر مطالب این کتاب است.

(بروجردی، ۱۳۹۶) کتاب روشنفکران ایرانی و غرب و (جهانبگلو، ۱۳۸۸) کتاب موج چهارم، از دیگر آثار این حوزه به حساب می‌آیند. در حوزه هم پیوندِ هویت و هنر و ادب نیز می‌توان به (مسکوب، ۱۳۹۴) هویت ایرانی و زبان فارسی اشاره کرد. مسکوب بر این باور است که زبان فارسی و تاریخ ملی ایران زمین دو بنیادند که ایران را از استحاله در تاریخ بازداشته‌اند. این کتاب چهاربخش دارد که تکیه آن از ادبیات بر گونه نثر به‌ویژه نثر دیوانی و نثر دینی و عرفانی است. همچنین (برکت، ۱۳۸۶) با عنوان «هویت و بازتاب آن در ادبیات معاصر ایران» کتابی است که در آن به بررسی عناصر هویت در رمان‌های معاصر فارسی از جمله سمفونی مردگان (عباس معروفی)، اهل غرق (منیر و روانی‌پور) و اسفار کاتبان (ابوتراب خسروی) پرداخته است.

(قبادی، ۱۳۸۹) «ادبیات فارسی، انقلاب اسلامی و هویت ایرانی»، کتابی است که در میان آثار نامبرده، شاید نزدیک‌ترین پیوند را با مقاله حاضر داشته باشد. البته ناگفته پیداست که بیشتر آثاری که می‌توان پیوندی میان آن‌ها و موضوع این تحقیق یافت، در شکل مقاله نمود یافته‌اند. (ابوالحسنی، ۱۳۸۷) در «مؤلفه‌های هویت ملی با رویکرد پژوهشی» تعریف و تقسیم‌هایی از مقوله هویت ارائه می‌دهد.

(پاشایی و علوی مقدم، ۱۳۸۸) «نقش زبان و ادب فارسی در هویت فرهنگی» را نشان داده‌اند. (گودرزی، ۱۳۸۳) «هویت ملی در شعر پژمان بختیاری» را بررسی نموده است. (عابدین‌پور و سمایی، ۱۳۸۹) «علل تحول خوشنویسی و پیوند آن با هویت ایرانی در دوره تیموری» را به قلم آورده‌اند.

(الله‌یاری و عابدین‌پور، ۱۳۸۹) «علل تحول خوشنویسی و پیوند آن با هویت ایرانی در دوره صفوی» را باز گفته‌اند.

(قربانی، ۱۳۸۳) «هویت ملی از دیدگاه استاد مطهری» را موضوع قرار داده است.

(آل طاه‌ها، ۱۳۹۴) «بررسی عناصر هویتی انقلاب اسلامی ایران» را به انجام رسانده است.

(افتخاری و همکاران، ۱۳۹۳) «ناسیونالیسم و هویت ملی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای» را

بررسی کرده‌اند.

همچنین (گوهری مقدم و همکاران، ۱۳۹۷) هویت و منافع ملی و رابطه آن‌ها در اندیشه

آیت‌الله خامنه‌ای» را نشان داده‌اند. همان‌گونه که از عناوین هم پیداست؛ هیچ‌یک به‌طور

مستقیم موضوع طرح شده ما را پی نگرفته‌اند و این نکته چشم‌اندازی تازه را برای این مقاله نوید می‌دهد.

۲. بحث

۱-۲. هویت در نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای

واژه هویت که از نظر سازه در زبان عربی، مصدری برساخته از ضمیر «هو» است، در معنای «کیستی و چیستی» به کار می‌رود، معادل آن را در انگلیسی (Identity) گفته‌اند که از ریشه (Identits) و از اصل (Item)، به معنای تشابه و تمایز برآمده است (جنیکنز، ۱۳۸۱: ۵).

سخن در تعریف و تبیین ابعاد معنایی و اصطلاحی هویت، البته زیاد است، اما تمامی آن‌ها هم‌سوئی قابل توجهی دارند. نخستین هم‌سوئی می‌گوید عناصر هویتی، هر چه که باشند، اکتسابی بودن آن‌ها محرز است. دیگر نکته هم‌سوئی و همگرایی تعاریف هویت، مقابله «من» و «ما» با دیگران است. خود و غیر از مفاهیم اصلی در بحث هویت و بازشناخت آن به حساب می‌آیند. براین اساس مفهوم هویت در ذات خود تشابه و تمایز را نهفته دارد. تشابه یعنی عنصری که فرد را با ما گره می‌زند و پیوند می‌دهد و تمایز یعنی مؤلفه‌هایی که خود را از غیر جدا می‌کند و باز می‌دارد تا در این میان، اصلی به نام هویت پدیدار شود. همچنین این پیوند یا وازدگی، فرایندی است که جامعه به فرد، ارزانی کرده است و بدین سبب اکتسابی شناخته می‌شود. اما این وجه اکتسابی هرگز مانع نهادینگی و اصالت نیست. چرا که برخی مؤلفه‌های هویت، بسیار عمیق و دیرینه در افراد یک گروه ریشه دارند و چون از نخستین روزهای روشن شدن چراغ ادراک با فرد همراه شده‌اند، به‌منزله جزئی از ذات فرد، در زندگی او نقش بازی می‌کنند. نگره دیگر نیز از هم‌سوئی سخن‌ها در باب هویت، اعتقاد به چندلایه بودن آن است، به‌گونه‌ای که وقتی به «ما» نزدیک می‌شود، از هم خانوادگی و خویشاوندی تا هم‌کیشی، هم‌میهنی و هم‌نوعی را در برمی‌گیرد و اینجاست که یکی از مهم‌ترین فرانمودهای همبستگی هویتی، یعنی هویت ملی نمایان می‌گردد. از هویت ملی نیز تعریف‌های گوناگونی به دست رسیده است که تمامی آن‌ها دارای جوهره مشترکی است که ابعاد و عناصر اصلی این مفهوم را مشخص می‌سازد. در یکی از پژوهش‌های پیرامون این موضوع، تعریفی از دکتر باوند ارائه شده است که می‌گوید «هویت ملی فرایند پاسخگویی آگاهانه یک ملت به

پرسش‌های پیرامون خود، گذشته، کیفیت، زمان، تعلق، خاستگاه اصلی و دائمی، حوزه تمدنی، جایگاه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ارزش‌های مهم از هویت تاریخی خود است» (گودرزی، ۱۳۸۳: ۳).

برخی نیز با نگاه احساساتی ابراز داشته‌اند که «هویت ملی عالی‌ترین و برترین سطح هویت بشری است که در قرن بیستم و بعد از پدید آمدن نظام بین‌الملل و پس از جنگ جهانی که کشورهای جهان وارد بلوک‌بندی خاصی شدند، شکل گرفت» (نوروزی، ۱۳۹۷: ۴۱۸). از نگاه احمد اشرف هویت ملی، هویتی محوری است و مقوله‌ای کاملاً تاریخی و متعلق به عصر جدید است (اشرف، ۱۳۸۳: ۱۴۵). گاه نیز تعریف هویت ملی دایره‌ای بسیار وسیع یافته و ابعاد آن تقریباً تمام مظاهر جمعی را که بنیان هویت به حساب می‌آیند، در خود جای داده است. چنان‌که گفته شده «اگر از بُعد جامعه‌شناختی، افرادی را که در یک قلمرو مشخص و با حاکمیتی معین زندگی می‌کنند، یک جامعه به حساب بیاوریم، هویت ملی عبارت است از احساس تعلق و تعهد اعضای آن جامعه به نمادهای فرهنگی، شامل هنجارها، ارزش‌ها، زبان، دین، ادبیات و میراث تاریخی» (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۲).

با این تعاریف اگرچه می‌توان به برجستگی و محوری بودن هویت ملی اذعان داشت، اما نمی‌توان آن را، با تطبیق کامل، جایگزین هویت به معنای مطلق کرد، چرا که دست کم تقسیمی نظیر هویت فردی و هویت جمعی، تعریف را ممتنع می‌کند. ولی این قدر هست که «اندیشمندان علوم سیاسی و اجتماعی معمولاً عنصری ویژه از عناصر تشکیل‌دهنده هویت را برجسته کرده، به عنوان رویکردی مستقل مطرح ساخته‌اند؛ محققان جغرافیا سرزمین و تاریخ مشترک را مطرح کرده‌اند، صاحب‌نظران علوم اجتماعی زبان و دین مشترک را و ارباب سیاست، ساختار سیاسی مشترک و یا ملیت را. بر این اساس، مشخص می‌شود که هویت پدیده‌ای مرکب از عناصر سخت افزارانه و نرم‌افزارانه ای چون فرهنگ است» (مجته‌لزاده، ۱۳۷۷: ۱۲۵).

هرچه هست ما از این غربال‌گری‌ها و تفکیک ساختن‌ها، تقسیماتی را در حوزه دانش هویت بازمی‌شناسیم که هر یک در موضوع و موضع خود، تعریف و کارکردی دارند، از جمله هویت تاریخی، هویت دینی، هویت فرهنگی و هویت سیاسی و حتی متاخرتر هویت انقلابی. با این همه، سخن احمد اشرف در این جایگاه می‌تواند فصل الخطاب باشد که «در علوم

انسانی نظر غالب آن است که عوامل و عناصر اصلی هویت زبان، دین و سرزمین مشترک است» (اشرف، ۱۳۸۳: ۱۳۸).

اینک با تبیین عنصر هویت و فرانمود تقسیماتی که در آن متصور است به سراغ آرا و نظرات آیت‌الله خامنه‌ای می‌رویم تا با رهیافتی ویژه به هدف نهایی این جستار نزدیک شویم. حاصل درنگ و جست‌وجو در سخنان ایشان، بر محقق روشن می‌کند که آنچه در باب عنصر هویت و تقسیمات آن در نظرگاه اندیشمندان مطرح است، در کلام وی نیز یافت می‌شود. جز آن که آیت‌الله خامنه‌ای، آنچه بیان داشته‌اند، نه یک متن تحقیقی بلکه اندیشه‌ها و دقایق تأمل و فکر ایشان است که در قالب کلام و در هیئت خطابه روی نموده است. از این جهت مفاهیم درهم‌تنیده مطرح می‌شود و سرانجام به حکم کلی ختم می‌گردد. گاه نیز سرخط موضوع، گوشزد می‌گردد و پیامد آن دریافت‌هایی است که در گزاره‌های تحلیلی پژوهشگران تبیین می‌شود و به نتیجه می‌رسد. نیاز به توضیح نیست که گزاره‌های بیانی آیت‌الله خامنه‌ای با توجه به جایگاه سیاسی ایشان و اشراف کلی‌شان بر مملکت از یک‌سو و دریافت و درک دقیقشان از مسائل، به اعتبار جوهره وجودی‌شان از سوی دیگر، در کنار حضورشان در بطن و متن قضایای سیاسی و فرهنگی ایران به مدت بیش از شصت سال، از اهمیت بسیاری برخوردار است.

همان‌گونه که اشاره شد، مباحثی مانند هویت ملی، هویت دینی اسلامی، هویت فرهنگی، هویت تاریخی و هویت انقلابی تقسیماتی است که در سخنان آیت‌الله خامنه‌ای و در موضوع کلی هویت، دیده می‌شود.

۲-۱-۱. هویت ملی

در سطرهای پیشین، به محوری بودن مؤلفه هویت ملی اشاره شد و تعریف‌هایی نیز از آن به قلم آمد. در نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای «هویت ملی عبارت از یک هویت جمعی است که از مجموعه فرهنگ، اعتقادات و دین، استقلال، عزت، حکومت، تاریخ، خواست‌ها، آرزوها و آرمان‌های اساسی و اصولی و رفتارهای یک ملت تشکیل شده است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۵/۰۸/۱۸ و ۱۳۷۸/۰۸/۱۲).

از اهمیت هویت ملی در دیدگاه ایشان همین بس که به استادان دانشگاه توصیه می‌کنند «در کنار تقویت ایمان به خدا، باید ایمان به هویت ملی را نیز در جوانان تقویت کرد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۲/۰۲/۲۲). «دلایل اهمیت هویت ملی، با تکیه بر بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به قرار زیر است:

- ❖ هویت ملی، اساس هر پیشرفتی است؛
- ❖ هویت ملی ارزش دفاع دارد؛
- ❖ بحران هویت، عامل ذلت و شکست ملت‌هاست» (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۴).

پیش‌تر گفتیم که هویت ملی، مهم‌ترین گونه از انواع هویت است، زیرا در حوزه فرهنگ، اجتماع، سیاست و اقتصاد نقش تعیین‌کننده دارد و این موضوعی است که از دید صاحب‌نظران نیز پنهان نمانده است. همچنین اشاره کردیم که درهم‌تنیدگی مفاهیم هویت، چنان‌که در سخنان آیت‌الله خامنه‌ای نشان شده است، به معنی رابطه متقابل این عناصر هویت‌ساز است. نظیر تأثیر فرهنگ یا دین بر هویت ملی. اکنون با درنگ در تعریفی که از هویت ملی، در نظریه آیت‌الله خامنه‌ای ارائه گشت، هر دو نکته پیش‌گفته اثبات می‌شود. بدین معنی که بنا بر تعریف مذکور، اولاً، اهمیت هویت ملی نسبت به سایر انواع هویت پیدا آمد، ثانیاً، این تعریف رابطه متقابل عناصر هویت‌ساز را به‌خوبی نشان می‌دهد. چرا که تمام مؤلفه‌های هویت‌ساز به‌نوعی در این تعریف گرد آمده‌اند. همچنین باید اشاره کرد که در نظریه آیت‌الله خامنه‌ای، هویت ملی، از منافع ملی، بسیار با اهمیت‌تر است به‌گونه‌ای که منافع ملی در راستای هویت ملی تعریف می‌شود و هر سود و سودایی در عبور از غربال هویت ملی است که ارزشمند خوانده می‌شود و الا سود تلقی نمی‌شود. در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، «منافع ملی آن وقتی منافع ملی هستند که با هویت ملت ایران در تعارض نباشند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۰۳/۲۲).

«هویت ملی زیربنای منافع ملی است. این هویت است که به منافع ملی شکل می‌دهد و معنی‌دار شدن منافع ملی در تطابق آن با هویت است و اگر منفعی دنبال شود که جدا از هویت باشد، موجب بی‌هویتی خواهد بود» (گوهری مقدم و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۵۵). اما نکته در باب هویت ملی، اشاره به موضوع بحران هویت است که بیشتر مقوله‌ای سیاسی به حساب

می‌آید و در قسمت هویت سیاسی یا انقلابی از آن سخن خواهیم گفت، در اینجا از این باب به آن اشاره می‌کنیم که در نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای، داروی بحران هویت، انسجام و تبیین و تشریح هویت ملی و کاربست توانایی‌های آن است. در حقیقت کارکرد هویت ملی، عزت ملی و اعتماد به نفس ملی است و وقتی این فرایند شکل بگیرد، به خودی خود، بحران هویت از جامعه دور می‌شود. «برای این که یک ملت بتواند به اقتدار ملی و آرمان‌های بزرگ معنوی و دنیایی دست پیدا کند، ضروری است ویژگی‌هایی را در هویت ملی خود به وجود بیاورد که برخی از این عناصر و شرایط عبارت‌اند از: ایمان، احساس مسئولیت، شجاعت، اعتماد به نفس، پشتکار و تلاش» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۱/۰۸/۱۳۷۹).

۲-۱-۲. هویت دینی

بنا بر سخن احمد اشرف، یکی از پایه‌های سه‌گانه هویت، دین است (اشرف، ۱۳۸۳: ۱۳۸) و نکته اول در بحث هویت دینی آن است که در سخن آیت‌الله خامنه‌ای، غالباً از هویت اسلامی به جای هویت دینی استفاده می‌شود. بی‌گمان این تخصیص نکته‌هایی در خود نهفته دارد که واضح‌ترین آن، متمایز کردن اسلام از سایر ادیان و باورهای عقیدتی رایج است. چرا که اصطلاح عام دینی می‌تواند تبعات عملکرد ناحساب برخی از کارگزاران دیگر ادیان، نظیر مسیحیت را، به پای اسلام بگذارد؛ چنان‌که در جایی آورده‌اند «آن روسیاهی که کلیسای کاتولیک با داغ و درفش خود طی دوره حاکمیت چند صد ساله در اروپا برای مفهوم حکومت دینی به جا گذاشت، کار جمهوری اسلامی را بسیار دشوار کرد؛ اما آن قرون تاریک کجا و این تجربه درخشان و الهام‌بخش کجا» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۲/۰۵/۱۳۷۰).

در نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای، هویت اسلامی، عبارت است از «اتکا به خدای متعال، احساس عزت از مسلمان بودن، تکیه بر ظرفیت‌ها و نیروهایی که خدای متعال به ما بخشیده است و فراخوانی دنیا به سمت ارزش‌های معنوی» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۹/۱۱/۱۳۹۰). همچنین ایشان در رابطه میان هویت ملی و هویت اسلامی، این دو را مکمل هم می‌دانند و ابراز داشته‌اند که «ما مسلمان و ایرانی هستیم. مسلمانی ما نه تنها با ایرانی بودن ما در تضاد نیست، بلکه مکمل یکدیگر و منطبق بر هم است» (خامنه‌ای، بیانات، ۸/۰۸/۱۳۷۰). ضمن اینکه در نظر دارند هویت اسلامی، جمعیت بسیار بالاتری را هم‌گروه می‌کند و بدین سبب کارآمدتر

می‌نماید و بر این اساس «هویت جمعی و ملی ملت ایران، نظام اسلامی است که حتی از ملیت ایرانی، کارایی و جذابیت بیشتر و حوزه تأثیر وسیع‌تری دارد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۰۸/۱۲). در واقع ایشان برای همه مسلمانان جهان، علاوه بر هویت ملی و فرقه‌ای، هویتی کلان‌تر و فراملیتی به نام هویت دینی که با عنوان امت اسلامی شناخته می‌شود، قائلند. «امت، واحدی بزرگ‌تر از ملت است که بر اساس آرمان‌ها و اهداف مشترک دنیای اسلام شکل می‌گیرد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۶/۰۹/۱۴). در کنار این، سایر هویت‌ها در نظرگاه ایشان تا آنجا پذیرفته و قابل قبولند که در تضاد با هویت اسلامی قرار نگیرند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۲/۱۲/۱۲ و ۱۳۷۱/۰۶/۲۴).

۲-۱-۳. هویت فرهنگی

بدون شک، فرهنگ یکی از واژگان کلیدی در حوزه مطالعات جامعه‌شناختی و انسان‌شناسی به حساب می‌رود. بدین سبب هویت فرهنگی نیز اهمیت و ابعاد می‌یابد. «آلبرو» پاسخ به سؤالاتی را که با چیستی و ذات‌شناسی آدمی پیوند دارد، در زمره هویت فرهنگی و کار هویت فرهنگی می‌داند (آل طاه‌ها، ۱۳۹۴: ۱۱). برخی نیز تأکید دارند که هویت فرهنگی مشرف بر تمامی انواع هویت‌هاست و با آن‌ها در ارتباط متقابل قرار دارد (علیخانی، ۱۳۸۶: ۱).

در نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای، مفاهیم و مضامینی نزدیک به آنچه گفته شد در باب فرهنگ و هویت فرهنگی دیده می‌شود. اصولاً آیت‌الله خامنه‌ای، در طول این سال‌ها، دغدغه خود نسبت به فرهنگ، هویت فرهنگی و تهاجم فرهنگی را بیش از هر نگرانی دیگر بروز داده‌اند و این خود نشانگر اهمیت هویت فرهنگی است. آیت‌الله خامنه‌ای جنس فرهنگ را از گونه هوا و روح می‌داند و بدین رو تأکید کرده‌اند که «فرهنگ به معنی هوایی است که ما تنفس می‌کنیم. شما ناچار هوا را تنفس می‌کنید، چه بخواهید، چه نخواهید؛ اگر این هوا تمیز باشد، آثاری دارد در بدن شما، اگر این هوا کثیف باشد، آثار دیگری دارد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۰۱/۰۱)؛ یا اینکه «فرهنگ، هویت یک ملت است. ارزش‌های فرهنگی روح و معنای حقیقی یک ملت است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۰۹/۱۹). همچنین تعریف فرهنگ در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، به گونه‌های متعدد بیان شده است: «فرهنگ یعنی باورهای مردم، ایمان مردم، عادات مردم، آن چیزهایی که مردم در زندگی روزمره با آن سر و کار دائمی دارند و الهام‌بخش مردم در حرکات و اعمال آنهاست» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۰۱/۰۱)، فرهنگ

عبارت است از «آن درک، برداشت، فهم و باور انسان‌ها و روحيات و خلیقات آن‌ها در زندگی» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۰۶/۲۵). درنگ در همین شواهد اندک از کلام وی، نشان می‌دهد، عنوان حرکت و به حرکت واداشتن از عناصر مهم فرهنگ است و این همان چیزی است که دانشوران علوم اجتماعی و حتی فلسفه از آن به‌عنوان سائق یا انگیزه برای اقدام و انجام کاری از سوی فرد، در راستای هدفی معین، نام می‌برند. بدین سبب «فرهنگ هر کشور، بستر اصلی حرکت عمومی آن کشور است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷) و «فرهنگ مایه اصلی هویت ملت‌هاست» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۰۲/۲۸). «هویت هر ملتی فرهنگ اوست و هویت ملی با فرهنگ شکل می‌گیرد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳).

با نظر به اینکه «امروزه شاهد ظهور نحله‌ای از متفکران هستیم که از فرهنگی شدن پدیده‌ها به‌عنوان گفتمان غالب قرن بیست و یکم یاد می‌کنند» (افتخاری، ۱۳۸۹: ۶)، می‌توان دریافت که آیت‌الله خامنه‌ای بر نظریه فرهنگی شدن هویت تأکید دارند؛ در این دیدگاه محوریت با ارزش‌های دینی است و «اسلام جزو مهم‌ترین ارکان فرهنگ ملی است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۲/۰۵/۱۲)؛ و هویت فرهنگ شاخص اصلی در تمایز ملت‌هاست، چرا که «فرهنگ یک جامعه اساس هویت آن جامعه است و فرهنگ مهم‌ترین شاخصی است که ملت‌ها به آن شناخته شده و از ملل دیگر متمایز می‌شوند. همچنین فرهنگ مهم‌ترین عاملی است که تعیین‌کننده سرنوشت ملت‌هاست» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۰۳/۲۸). خلاصه اینکه می‌توان گفت در نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای، هویت فرهنگی و هویت ملی رابطه متقابل و انطباقی با یکدیگر دارند؛ بدین معنی که فرهنگ، در کنار عزت ملی و دین از مؤلفه‌های هویت ملی به حساب می‌آید (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۰۷/۲۲)، هویت ملی نیز خود، یک فرهنگ محسوب می‌شود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۰۲/۲۸).

۲-۱-۴. هویت انقلابی

یکی از تقسیمات متاخر در بازشناسی هویت و مؤلفه‌های آن، هویت سیاسی است. بر باور اندیشمندان معاصر، این نحله جدید در اواخر قرن بیستم روی نموده است؛ آنجا که این رهیافت جدید، یعنی هویت سیاسی با زیر سؤال بردن رهیافت رئالیسم و مفاهیم بنیادین آن مانند قدرت، منافع ملی و موازنه قوا، درصدد برآمد تحلیلی از روابط بین‌الملل و سیاست

خارجی بر مبنای نقش دادن به عوامل اجتماعی و فرهنگی ارائه کند. اما این‌گونه نوپدید، در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، مفهومی خاص‌تر دارد که به طرز بومی‌سازی شده، به اصطلاح «هویت انقلابی» بدل شده است. ناگفته روشن است که این مفهوم، یعنی هویت انقلابی، بر پایه ارزش‌ها و دیدگاه‌های انقلاب اسلامی ایران استوار است. انقلابی که اگرچه بزرگ‌ترین دستاورد سیاسی را داشت اما در گونه‌شناسی طبق نظر «اسکاچپل»، انقلابی اجتماعی به حساب می‌آید، چرا که «انقلاب سیاسی با تغییر حکومت، بدون تغییر در ساختار اجتماعی همراه است. اما انقلاب اجتماعی عبارت است از انتقال و دگرگونی سریع و اساسی حکومت و ساختارهای اجتماعی و تحول در ایدئولوژی غالب کشور» (آل طاهما، ۱۳۹۴: ۴). در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای هویت سیاسی، تأمین‌کننده عزت ملی است و تعریف هویت انقلابی در نظرگاه ایشان همان است که در سطر بالا آمد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۰۲/۲۲ و ۱۳۷۹/۰۸/۱۱).

نخستین شناسه از هویت انقلابی «بازگشت به خویشتن» است. همانا این شناسه، خواسته همه بیدارگران اسلامی نظیر سید جمال اسدآبادی و روشنفکران دینی مانند جلال آل احمد و علی شریعتی بوده است. از این‌رو، به محض وقوع انقلاب و شکل‌گیری پایه‌های آن «نخبگان مذهبی سخت دل‌مشغول پالایش اخلاقی جامعه شدند. جامعه‌ای که ارزش‌های غربی، آن را دچار بحران هویت کرده بود. آنان با انتقاد از تمدن غیردینی غرب، به تعبیر برخی صاحب‌نظران «سیاست اسلامی» را که مسئله‌ای اخلاقی است، جایگزین الگوهای نوسازی کردند» (آل طاهما، ۱۳۹۴: ۶). شناسه دیگر از هویت انقلابی، پیوند آن با فرهنگ و باورهای دینی است. اگر هویت سیاسی، از ساختار حکومت و تعامل بین‌الملل مایه می‌گیرد، هویت انقلابی ریشه در فرهنگ، اصالت‌های تبیین شده و باورهای دینی و مذهبی دارد. از اینجاست که «ملت ایران با انقلاب خودش، سقف فلک فرهنگ و سیاست را در دنیا شکافته و طرح نویی در انداخته است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۰۸/۰۶). در نظر آیت‌الله خامنه‌ای «ما ملتی هستیم مسلمان و ریشه‌دار در تاریخ و انقلابی؛ این هویت ماست. مسلمانی ما، عمق تاریخی ما و انقلابی بودن ما سه عنصر اصلی است که هویت ملت را تشکیل می‌دهد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۰۳/۲۲). اینک هویت انقلابی به تعبیر ایشان، همان کارکردی است که ملت را از حاشیه به متن آورد. هویت انقلابی، یعنی نفی هژمونی هویت‌های پیشین که گاه در شکل‌ها و ساحت‌های دلپذیری

مانند ایران شهری و باستان‌گرایی روی می‌نمودند و ایجاد «هویت‌ی معنا ساز، معنا بخش و نوین که طالب عزت، استقلال و پیشرفت است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۰۴/۰۵).

در نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای، هویت انقلابی، زبان هویت‌های سه‌گانه دیگر، یعنی هویت ملی، هویت اسلامی و هویت فرهنگی است. «انقلاب اسلامی برای مسلمانان الگو شد؛ اولاً با پیدایش خود، بعد با تشکیل موفق نظام جمهوری اسلامی و بعد ماندگاری این نظام. امروز در بین ملت‌های دنیا، احساس هویت اسلامی قابل مقایسه با سی سال قبل نیست. خوشبختانه امروز حقانیت حرکت جمهوری اسلامی آشکار شده، شما می‌بینید شعارهایی که تا دیروز ملت ایران بر زبان جاری می‌کرد، امروز در کل این منطقه همه‌گیر شده است و این یک هویت حقیقی، ماندگار، مستحکم، قابل دوام و دفاع در مقابل تهاجم‌هاست» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۱۲/۱۹).

اینک پس از بررسی ابعاد و گونه‌های هویت از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، به محور دوم، یعنی هنر و تبیین آن «در نظرگاه ایشان می‌پردازیم و در ادامه پیوند این دو مفهوم را در ساحت نظری ایشان بررسی می‌کنیم.

۲-۲. هنر در نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای

با همه تعریف ناپذیری هنر، بازتعریف‌های متعددی از هنر ارائه شده است که هر یک از منطری بدان پرداخته‌اند و سخن در این باره چندان فراوان است که هرگز به تعریفی واحد نمی‌رسد. با این همه از روی ناگزیری به یک تعریف بسنده می‌کنیم که بر اساس آن دانشنامه «بریتانیکا» هنر را با عنوان استفاده از توانایی و تخیل در خلق آثار زیبا و تجاربی که می‌تواند با دیگران تقسیم شود، تعریف می‌کند. در نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای تعریف کلاسیک هنر یا همان اصطلاح جامع و مانع برای هنر چندان منظور نبوده است. آنچه در دیدگاه ایشان به تعریف هنر نزدیک است، تمجید و توصیف هنر است. در حقیقت می‌توان باز نمود برخی ویژگی‌ها و پاره‌ای از کارکردهای هنر را در بیان ایشان به‌منزله تعریف هنر انگاشت؛ چنان‌که گفته‌اند: «هنر عطیه الهی است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۰۵/۰۱)، یا این که «خصوصیت هنر این است که آفرینش جزو ذات آن شمرده می‌شود و هنر خاصیت آفرینش دارد؛ به همین خاطر است که

هنر گوهری گران‌بهاست و هنرمند ارزش واقعی دارد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۳/۰۲/۰۷). همچنین «هنر یک موهبت الهی و یک حقیقت فاخر است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۰۵/۰۱). در اینجا برای تبیین و بازنمود بهتر وجوه هنر در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، با زیر تقسیماتی از قبیل توصیف کارکردهای هنر، جایگاه هنر، هنر دینی، هنر انقلابی، هنرمند و جایگاه آن و ویژگی‌های هنر متعهد و ... سخن را پی می‌گیریم.

۲-۲-۱. توصیف و کارکرد هنر

همان‌گونه که اشاره شد، تعریف هنر در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای در حقیقت تمجید و توصیفی است که ایشان از هنر ارائه می‌دهند؛ از جمله آنکه هنر را عطیه الهی می‌خوانند و آن را موهبت الهی و حقیقتی فاخر می‌نامند. یا آنکه «هنر را آینه‌ای می‌دانند که در مقابل مظهر جمال و جلال قرار می‌گیرد و آن را منعکس می‌کند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۰۶/۲۴). ایشان در جای دیگر هنر را از معجزات الهی خوانده‌اند و نیز درباره شعر، به‌عنوان هنری شاخص، همین تعبیر را به کار برده‌اند که «آنچه راجع به شعر می‌خواهم بگویم، این است که پدیده شعر، یکی از معجزات آفرینش است. یکی از معجزات عالم خلقت همین پدیده شعر است؛ اغلب هنرها همین‌جور هستند. البته هنرها با هم متفاوت‌اند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۰۲/۳۰). ایشان به شعر، به چشم یک ثروت ملی می‌نگرند و تأکید می‌کنند که «شعر یک ثروت ملی است، همه انواع شعر، این‌ها همه ثروت است، ثروت ملی است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۰۳/۲۰). حق آن است که پاره‌ای از تعریف هنر را در این نظرگاه، باید در کارکردی یافت که برای هنر متصورند. آیت‌الله خامنه‌ای، همچنان‌که هنر را عطیه الهی می‌نامند، توان، تأثیر و کارکردی به مشابه نقش انبیای الهی برای آن متصورند. ایشان با طرح این سؤال که وظیفه انسان هنری و انسان فرهنگی چیست، پاسخ می‌گویند که «وظیفه خیلی سنگین است، خیلی بزرگ است. مهم‌ترین وظیفه هم تبلیغ و تبیین است. الّذین یبَلِّغونَ رِسالاتِ اللّهِ و یخشونَهُ و لا یخشونَ احدًا الا اللّهُ، این یک معیار است. در عالم فرهنگ بایستی گره‌گشایی کرد، بایستی حقیقت را باز کرد. بایستی گره‌های ذهنی را بازکرد و این تبیین لازم دارد، یعنی همان کار انبیا» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۰۶/۱۴). دومین کارکرد هنر که کراراً در سخنان ایشان بازتاب دارد، موضوع تأثیرگذاری است. «هنر، زبان رسایی برای همه موضوعات و بخصوص موضوعات

پیچیده‌ای مثل انقلاب است. زبان هنر است که می‌تواند حوادث عظیم را تبیین و تشریح کند و ذهن‌ها را روشن نماید» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳). همچنین از نظر ایشان، هدف از کاربست هنر، اثرگذاری بر مخاطب است. «سعی کنید اثر بگذارید بر روی ذهن‌ها، مخاطبان خود را اقناع کنید. همراه با اصحاب فکر، کسانی که هنر ارائه دارند، از نقاش، شاعر، فیلم‌ساز، نویسنده و امثال این‌ها، باید همه با هم دست به دست هم بدهند تا محصول کار چیزی از آب در بیاید که بر روی ذهن مخاطب اثر بکند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۰۷/۱۳). ظاهر آن است که این اثرگذاری نیز به خواست مخاطب هنر بسته نیست. «تأثیر هنر به خواست کسی که مخاطب هنر است بستگی ندارد. او بخواهد یا نخواهد، این اثر را خواهد گذاشت (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۰۶/۳۱)، گویی خاصیت عمومی هنر این است که بدون اینکه خود گوینده توجه داشته باشد و غالباً بدون اینکه مستمع توجه داشته باشد، اثر می‌گذارد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۰۵/۰۵). باری فراتر از اثربخشی و تأثیر گذاری هنر، بقا بخشی هنر است که جوهر پیام را در جان مخاطب نهادینه می‌کند و به آن جاودانگی می‌بخشد به گونه‌ای که همواره با اوست و مخاطب گاه اندیشه و رفتار خود را بر اثر آن اصلاح می‌کند. پس بُعد دیگری از اهمیت هنر و کارکرد آن، خاصیت بقا بخشی آن است. نکته ظریف‌تر در این خصوص، مانایی تفکر و جاودانه شدن آن در قالب هنر است؛ از این رو ایشان تأکید می‌کنند که «اگر این تفکر انقلابی که با هزاران زبان، چه به شکل خطبه، چه به شکل درس و چه به شکل افکار فلسفی ارائه شده است، در قالب هنر عرضه نشود، برای نسل‌های آینده چیز بیگانه‌ای خواهد بود، هنر خصوصیتش همین است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۰۷/۱۵)، یا آنکه در توجه ائمه به شعر کسانی نظیر دعبل خزاعی، کُمیت اسدی و سید حمیری، می‌گویند: «چرا این سخنان در نظر ائمه ارزش بیشتری پیدا می‌کند؟ چون شعر است، آقایان به این نکته توجه کنند. مگر شعر چه خاصیتی دارد؟ چون تأثیر شعر در ذهن مخاطب بیشتر است. گاهی یک شعر، از چند ساعت حرف زدن یک سخنور توانا، گویاتر است. یک بیت یا یک مصراع شعر، در ذهن‌ها می‌ماند و مردم آن را می‌فهمند و تکرار می‌کنند و نتیجتاً ماندگار می‌شود» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸/۱۰/۲۸).

۲-۲-۲. گونه‌های هنر

با درنگ در سخنان آیت‌الله خامنه‌ای، به‌ویژه از زمانی که در جایگاه رهبری قرار گرفتند تا امروز (پایان سال ۱۳۹۸)، اشاره‌هایی به انواع هنر را در آن می‌توان یافت. اما نسبت بسامد بر اساس فیش‌هایی که از سخنان ایشان در تارنمای اختصاصی «Khamenei.ir» قرار گرفته، با گونه‌های شعر و رمان، از انواع ادبی و هنرهای نمایشی به‌ویژه فیلم سینمایی و مجموعه‌های تلویزیونی است. در این میان شعر مرتبه نخست را از لحاظ تعداد فیش‌ها (۳۸ عنوان) و تعداد صفحات (۲۱ صفحه) به خود اختصاص داده است. علت این امر نیز روشن است. نخست، ذوق و علاقه خود ایشان به شعر و شاعری است که ایشان را باید در زمره شاعران معاصر به حساب آورد و دلیل دوم، جلسه پیوسته و سالانه با شاعران که بیش از دو دهه ادامه داشته و در سال‌های اخیر به دو دیدار در سال افزایش یافته است. این در حالی است که اشاره به‌گونه‌ای مانند سرود و تأکید بر اثرگذاری آن نیز در سخنانشان دیده می‌شود (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۰۴/۱۱). طنز فاخر، عکاسی، مجسمه‌سازی، موسیقی با لحاظ شرعیات، نقاشی، خوشنویسی و حتی عروسک‌سازی هنرمندانه بر اساس الگوهای هویت ایرانی و اسلامی از دیگر گونه‌ها و مقولات هنری است که در کلام ایشان بازتاب دارد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۰۹/۱۹).

شعر در نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای همچنان‌که از معجزات آفرینش به حساب می‌آید (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۰۲/۳۰)، یک ثروت ملی نیز قلمداد می‌شود و وسیله‌ای است در خدمت مفاهیم پیش‌برنده کشور و بصیرت‌افزایی کشور (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۰۳/۲۰). از نظر محتوایی تأکید ایشان بر شعر اخلاقی است و حتی بیان داشته‌اند که ما امروزه به شعر اخلاق‌مند نیاز داریم (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۷/۰۶/۲۵)، چرا که شعر و بلکه هر هنر دیگری، می‌تواند کارکرد دوسویه داشته باشد؛ «می‌توان با ابزار شعر، مخاطب را به راه راست و صراط مستقیم هدایت کرد، می‌توان هم او را به کج راهه برد و او را ساقط کرد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۰۴/۱۰). مجموعاً این که ایشان موقعیت شعر را در ساحت هنر امروز ایران، موفق، پیشرو و کارآمد می‌دانند و از میان گونه‌های شعر از منظر شکلی به دو نوع سرود و منظومه‌پردازی اشاره می‌کنند و از شاعران می‌خواهند به گونه گذشته، «منظومه‌پردازی» را در دستور کار خود قرار دهند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۰۳/۲۰). همان‌گونه که اشاره شد سرود را نیز به جهت

تأثیرگذاری می‌ستایند و تأکید دارند که «به نظر من سرود یک نوعی از شعر بسیار پرتأثیر است، اثرگذار است. از بسیاری از انواع شعر، شاید بگوییم از همه انواع شعر اثرگذاری‌اش بیشتر است؛ یعنی گستره اثرگذاری و سرعت اثرگذاری آن بیشتر است؛ سرود مثل هوای تازه، مثل هوای بهاری، نفوذ می‌کند. هیچ لازم نیست وادار بشوند کسانی که آن را ترویج کنند، وقتی خوب تنظیم شد، اثر می‌کند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۵/۰۳/۳۱).

هنرهای نمایشی، به‌ویژه ساخته‌های سینمایی و مجموعه‌های تلویزیونی، مورد اشاره آیت‌الله خامنه‌ای است و بر اهمیت آن، به‌عنوان گونه دوم از هنر، تأکید دارند: «به نظر من، تلویزیون، صدا و سیما و به‌خصوص بخش هنر نمایشی - بخش سریال و فیلم - امروز برای ما، از همیشه مهم‌تر است. من به هیچ وجه یک نگاه گذرا و باری به هر جهتی نسبت به آن ندارم. هنرهای نمایشی خیلی مهم‌اند. ابعاد فرهنگ‌سازی هنرهای نمایشی خیلی وسیع است و امروز ما به‌عنوان یک ملتی که چون زنده است، چون حرف دارد، چون احساس هویت می‌کند، پس دشمن‌های بزرگی هم دارد، مواجهیم با دشمنی‌هایی از راه مختلف و از جمله به شیوه استفاده‌های هنری و بیش از همه، هنر نمایش. این نشان می‌دهد که ما به‌عنوان یک ملت زنده، به‌عنوان یک مجموعه‌ای که در دنیا حرفی برای گفتن داریم و هدفی داریم، چقدر باید روی هنرهای نمایشی اهتمام بورزیم و سرمایه‌گذاری مادی و معنوی کنیم، لذا من حقیقتاً به این موضوع اهمیت می‌دهم» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۰۴/۱۲). ایشان با توجه به جذاب بودن هنر سینما و حوزه فراگیر و تأثیر گسترده، آن را فرهنگ‌ساز می‌دانند و کار ابتکاری در آن را توصیه می‌کنند: «سینما خیلی عنصر جذابی است؛ رسانه فوق‌العاده‌ای است، یعنی واقعاً الان هیچ چیزی مثل سینما نیست، از لحاظ اثرگذاری، روی این زمینه کار کنید، کارهای ابتکاری بکنید» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۰۹/۱۹). در دیدگاه ایشان فعالیت در این حوزه، به‌ویژه حوزه دینی، انقلابی و دفاع مقدس، در واقع کاری جهادی است و هنرمندان این عرصه نیز باید ضمن مصون‌سازی خود با ارتباط مستمر با خدا و به جا آوردن نوافل، «در آثار خود نگاهی امیدبخش داشته باشند و از سیاه‌بینی پرهیز نمایند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۱۲/۰۱). گلابیه ایشان از برخی عرصه‌ها نظیر رمان، چند باری تکرار شده است چرا که «مقوله قصه‌نویسی و رمان در کشور با نقطه مطلوب فاصله زیادی دارد و باید این بخش تقویت شود» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۱۲/۰۱).

بی‌گمان وقتی هنر عطیه و ودیعه الهی خوانده می‌شود، می‌تواند در ذات و جوهره خود با ساحت معنویت و مقام الوهیت پیوند داشته باشد که این‌گونه نیز هست. این جاست که ممکن است میان ساحت معنویت و عطیه الهی گسست روی بدهد. این دقیقه البته در نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای نیز به چشم آمده است: «دو جریان در طول تاریخ وجود داشته است؛ جریان بینات و جریان اغوا، جریان هدایت و جریان ضلالت. (لقد ارسلنا رسلنا بالبینات)، یک جریان است در طول تاریخ، لأغویئهم اجمعین هم که حرف شیطان است، یک جریان دیگر است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۰۲/۳۰). همین تقسیم دوگانه که به ملاحظه عدول آدمی، خاصه انسان هنرمند از شاه‌راه فطرت روی داده، مفهوم تازه‌ای را در ساحت نظریه‌پردازی هنر پدید آورده است که از آن به «هنر متعهد» تعبیر می‌شود. گرچه برخی ارباب نظر چنین تقسیمی را نمی‌پذیرند و به تعهد ذاتی هنر در قبال انسان باور دارند، اما از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، این تقسیم پذیرفته است و کارکرد هنر، حسب تربیت هنرمند، می‌تواند نقش هدایت یا ضلالت داشته باشد. طبعاً در این نظرگاه، هنر باید «در خدمت جریان اول قرار بگیرد، علتش هم واضح است، چون این را خدا داده، مال خدا و نعمت الهی است و ما بندگان خدا هستیم، پس بایستی هرچه به ما نعمت داده، در خدمت جریان نبوت و هدایت از سوی پروردگار قرار بدهیم، بنابراین تعهد این است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۰۲/۳۰).

آنچه امروز در جامعه هنری ما، عنوان هنر متعهد دارد، غالباً در برگرفته دو حوزه هنر دینی و هنر انقلاب است، طبعاً وقتی ما در کشور ایران از دین سخن می‌گوییم. منظور اسلام است و در این منظر «اگر درباره اصل هنر بخواهیم نظر اسلام را بدانیم، به نظر می‌رسد که اسلام هنر را نه فقط قبول کرده، بلکه تشویق کرده است؛ قرآن یک اثر هنری است. شما ملاحظه می‌کنید در آیات کریمه قرآن جاهای زیادی وجود دارد که تقدم و تأخر در جمله‌بندی وجود دارد به خاطر اینکه سجع آیه حفظ بشود. موارد متعددی از این دست در قرآن هست» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۱۰/۲۱). فراتر از این نظر، اگر اسلام با هنر پیوند نمی‌خورد شاید چیزی کم داشت؛ «اسلام از اول با هنر شروع شده است. اگر قرآن این زبان هنری را نداشت، شاید یک گوشه کار می‌لنگید» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۰۷/۱۵). چنین می‌نماید که دین، منزلت پیام را برای هنر به ارمغان می‌آورد و آن را متعالی می‌سازد که «هنر اگر با روح دیانت همراه شود،

عالی‌ترین وسیله تبلیغ ارزش‌های اسلامی، انقلابی و انسانی است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۷/۰۲/۱۸). چنان‌که در نقل بالا نیز آمد، در نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای، غالباً ارزش‌های دینی و ارزش‌های انقلابی هم‌سویی معنامندی دارند و شاید علت اینکه هنر متعهد معمولاً دو حوزه دین و انقلاب را گوشزد می‌کند یا در برمی‌گیرد، به دلیل همین هم‌سویی و همگرایی باشد. در حقیقت انقلاب اسلامی و هنر آن، آبشخوری زلال‌تر و گواراتر از مشرب دین ندارد. ایشان آنجا که تأکید می‌کنند «نگاه به هنر اسلامی و سینمای دینی باید نگاهی بلندمدت و همراه با برنامه‌ریزی دقیق و امید به آینده و بهره‌گیری از ابزار مناسب هنر برای تأثیر حداکثر باشد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۱۲/۰۱)، توجه به ارزش‌ها و معارف دینی و همچنین انقلاب اسلامی و ارزش‌های انقلاب را توأمان یادآوری می‌کنند.

حوزه دوم هنر متعهد، یعنی انقلاب اسلامی، بیش از حوزه اول مورد تأکید آیت‌الله خامنه‌ای است گرچه جدایی بین این دو مؤلفه مفروض نیست. غایت نگاه در اینجا، تمدن‌سازی اسلامی است و کمکی که هنر می‌تواند برای پیشبرد این هدف انجام دهد و انقلاب اسلامی نیز قهراً برای همین منظور پدید آمده است. از این‌رو کار در حوزه هنر انقلاب و چشم‌انداز وسیع آن، یعنی دفاع مقدس، منزلت جهاد دارد؛ «کسانی که امروز مشغول کار و فعالیت در عرصه فیلم‌های با مضامین انقلابی و دفاع مقدس هستند، واقعاً در حال جهاد هستند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۱۲/۰۱)؛ و این که «کار هنری در زمینه دفاع مقدس یکی از برترین کارهای هنری است؛ کسانی که دفاع مقدس را روایت می‌کنند، به‌خصوص آن‌هایی که روایت هنری می‌کنند، در واقع آینه‌ای هستند در مقابل یک مظهر جمال و جلال که او را منعکس می‌کنند؛ همان تأثیراتی را که آن حادثه می‌توانست در یک نسل در یک جامعه باقی بگذارد، شما با این نوشته خودتان، با این فیلم خودتان، با این کار هنری خودتان که بازآفرینی آن حادثه است، در مخاطب خودتان ایجاد می‌کنید. شما برای آن تابلو پرشکوه و پر از ریزه‌کاری و ظرافت و زیبایی، آینه می‌شوید. خود این کار فرهنگی و کار هنری شما که روایت آن جهاد مقدس است، جهاد است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۰۶/۲۴). نکته دیگر در باب هنر متعهد، خاصه گونه انقلابی آن است که انقلاب با توجه به ماهیت ویژه خود که به‌نوعی معارض با دیدگاه غالب جهانی، یعنی پرهیز از دین و معنویت و استیلای سکولاریسم بود، «افق‌های

جدیدی را در مقابل چشم هنرمندان بازکرد و حقایقی را نشان داد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۱۲/۰۵).

بر اساس آنچه گفته شد، هنر متعهد عبارت است از هنری که «در خدمت عدالت، در خدمت انسانیت، در خدمت دین، در خدمت وحدت، در خدمت رفعت ملی، در خدمت پیشرفت همه‌جانبه کشور و در خدمت انسان‌سازی به معنی واقعی کلمه باشد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۰۴/۱۰). همچنین بر این‌گونه از هنر، اهدافی مترتب است که «این هدف‌ها روشن است؛ دینی شدن مردم یکی از هدف‌هاست. ارتباط مستحکم مردم با نظام و مبانی اصلی نظام، یکی از هدف‌هاست. حفظ روحیه و شور انقلابی در مردم و دچار نشدن آن‌ها به ناامیدی و سرخوردگی یکی از این هدف‌هاست» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۱۲/۰۷). درنگ و دقت در اهداف هنر متعهد، به‌خوبی تقسیم دوشاخه هنر دینی و هنر انقلابی را به‌عنوان گونه‌های مطرح هنر متعهد نمایان می‌سازد.

اینک با تبیین جبهه هنر متعهد، نکته باقی‌مانده، جبهه متقابل و متخاصمی است که با ابزار هنر و بلکه استفاده بهینه از آن، رو در روی این جبهه ایستاده است. در نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای، همیشه موضوع دشمنی بدخواهان مورد امعان نظر و تأکید است و این را از هشدار دیرینه ایشان با تعبیری مانند تهاجم فرهنگی و بلکه شیخون فرهنگی، می‌توان دریافت (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۵/۰۶/۰۶). دقیقه مهم در این باره آن است که در کنار ادعاهای مبنی بر هنر «ناب» و ترویج مکتب هنر برای هنر، «یکی از مسائل دروغی که در دنیا تبلیغ می‌شود، این است که می‌گویند هنر نباید با سیاست آمیخته شود. در حالی که مجموعه‌های هنری غرب، از جمله هالیوود، کاملاً سیاسی هستند و اگر این‌گونه نبود، چرا به فیلم‌های ضد صهیونیستی ایران اجازه حضور در جشنواره‌های سینمایی را نمی‌دهند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۰۵/۱۴). همچنین جهت کارکرد بالای هنر، همگان برای رسیدن به هدف خود از این ابزار کارآمد استفاده می‌کنند. جبهه متخاصم انقلاب همچنین رویکردی دارد و «من وقتی به تنوع ابزارهای دشمن نگاه می‌کنم، می‌فهمم چقدر این قضیه برای این‌ها اهمیت دارد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۱/۰۵/۲۱). از سوی دیگر با توجه به شکل‌گیری جبهه هنر انقلاب اسلامی و پرورش «یک عده عنصر فرهنگی، ادیب، هنرمند و دارای اقتدار فرهنگی که بحمدالله کم هم نیستند، شعرای زیادی به وجود آمدند، داستان‌نویسان زیادی به وجود آمدند، نویسندگان قلم‌زن دقیق

فارسی‌نویس محکمی به وجود آمدند»، این جبهه متخاصم بنا به نظر آیت‌الله خامنه‌ای، با سه راهکار الف. تحقیر هنرمندان انقلابی؛ ب. بازداشتن هنرمندان جوان از گراییدن به سوی مجموعه‌های هنری انقلاب؛ ج. بی‌اعتنایی نسبت به تولیدات هنری جبهه انقلاب اسلامی، به مبارزه با هنر انقلاب پرداخت (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۱/۰۵/۲۱). اصولاً ایشان معتقدند که «سیاست در دنیای امروز از هنر استفاده ناشایست می‌کند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۰۵/۰۱) و این بهره‌کشی ناشایست خلاف شأن هنر و هنرمند است و در باب فرهنگ نیز چنین نظری دارند که «با شیوه‌های سیاسی، شیوه‌های سیاستمداران، نمی‌شود در عالم فرهنگ حرکت کرد، خلاف شأن فرهنگ است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۰۶/۱۶).

۲-۲-۴. جایگاه هنرمند

روشن است که هر اثر هنری، مؤثری دارد که هنرمند خوانده می‌شود و همان‌گونه که هنر گرامی داشته می‌شود، هنرمند نیز ارجمند است. در سخنان آیت‌الله خامنه‌ای تعریف، تمجید از هنرمند و توصیه به وی جایگاه ویژه‌ای دارد. در نظرگاه ایشان «آفرینش هنر منوط به دو مقدمه واجب است، یکی هنرمند، کسی که توان دیدن حقایق جامعه را دارد. حقایق شیرین و تلخ، همان‌هایی که چشم‌های عادی آن‌ها را نمی‌بیند. نام افرادی که ذهن‌های دقیق و هوش‌های برتر از معمول دارند، هنرمند است» (بهبودی، ۱۳۹۱: ۷۰). در این نظرگاه، نگاه به هنرمند را می‌توان در چند بخش جای داد:

الف. تعریف هنرمند و تمجید وی

«هنرمند کسی است که تلخی‌ها و شیرینی‌هایی را در جامعه احساس می‌کند که دیگران احساس نمی‌کنند» (بهبودی، ۱۳۹۱: ۷۲). «هر هنرمندی به تنهایی یک دنیاست و این خاصیت هنری است که در وجود اوست» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۰۵/۰۱). در حقیقت باید گفت تمجید از هنرمند، به جهت نقش سازنده‌ای است که او در انتقال مفاهیم و درک پیام‌ها و معانی بلند دارد. این نکته در بیان آیت‌الله خامنه‌ای نیز منعکس است که «من حوادثی را به چشم خودم دیده‌ام که شاید چشم مادی نتوانسته آن‌ها را درک، اما بعد که شما هنرمندان آن‌ها را به نگارش درمی‌آورید، یا در قالب نمایش نشان می‌دهید و یا به زبان قصه بیان می‌کنید، من آن حوادث را که بازبینی می‌کنم، می‌بینم عجب حوادثی بوده است. لذا به نظر من نقش هنرمند

مسلمان، نقش فوق‌العاده برجسته‌ای است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۰۴/۲۵). از دیگر سو ایشان اعتقاد دارند تشویق و برجسته کردن شخصیت هنرمند، کمک به پیشرفت هنر است و این خود راهکاری رازناک در امر هنرپروری است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۰۴/۰۱).

ب. توصیه درباره هنرمندان

با عنایت به ارجمندی هنر و هنرمند، به‌ویژه هنرمند که کار هنری از او صادر می‌شود، به جهت اشراف کلی از سوی آیت‌الله خامنه‌ای بر وضعیت هنر و هنرمندان در کشور، غالباً سران کشور مورد خطاب ایشان قرار می‌گیرند و در باب هنرمندان و تکریم آنان توصیه‌هایی به مسئولین امر صادر می‌گردد. یکی از توصیه‌ها در پیوند با بازی‌های خطی و سیاسی است که می‌گویند «همیشه توصیه من به کسانی که با کار هنری سر و کار دارند، این است که این‌ها [هنرمندان] را به بازی‌های خطی و سیاسی نکشائید» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۰۵/۰۱). توصیه دیگر پرورش و تکریم هنرمند است و این در حالی است که ایشان اصل پرورش هنرمندان خوب و قابل را در این عصر، از معجزات انقلاب می‌دانند (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۰۴/۲۵). با این همه از مسئولین می‌خواهند که «افراد با استعداد و جوانان انقلابی را بشناسید و از آن‌ها جدی بخواهید که بیایند مناظر به یاد ماندنی انقلاب را در فیلم‌نامه‌های بسیار هنرمندانه و انسانی و حاکی از اوج درک و فهم نویسنده که انسان در بعضی از فیلم‌نامه‌های خارجی این معنا را مشاهده می‌کند، تصویر کنند، بعد آن‌ها را نمایش دهید، به نظر من این تکلیف اصلی است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۱۱/۰۷). ایشان به دست‌اندرکاران امر هنر توصیه می‌کنند که از هنرمندان مشورت بخواهید و این که در هر موقعیتی، چه کار هنری جواب می‌دهد، باید با نظر هنرمندان باشد. همچنین مسئولین سپاسگزار هنرمندان باشند، خود نیز چنین می‌کنند و در جایی ابراز داشته‌اند که «من انکار نمی‌کنم که بعد از انقلاب در زمینه هنر دینی آثار با ارزشی درست شده است که من از کسانی که در این زمینه‌ها کار کردند، از اعماق دل سپاسگزاری می‌کنم. در نقاشی، خطاطی، طراحی و ... کارهای با ارزشی شده که به هیچ وجه روا نیست انسان آن‌ها را نادیده بگیرد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۰۵/۰۱).

ج. توصیه به هنرمندان

پیامد جانب‌داری و حق‌گزاری آیت‌الله خامنه‌ای از هنرمندان، آن است که در کنار توصیه‌ها و سفارش‌ها، توقعات و انتظاراتی را نیز از ایشان برمی‌شمرد. در یک نگاه کلی این سفارش‌ها و

توقعات را می‌توان در دو حوزه شکل یا ساختار و محتوا یا جان‌مایه جای داد. ایشان در اشاره‌ای ظریف و توصیه‌ای عام، خطاب به هنرمندان می‌گویند: «شما به‌عنوان یک هنرمند، دنبال زیبایی‌ها و ظرافت‌های عالم وجود می‌گردید تا این‌ها را بشناسید، بیرون بکشید، برجسته کنید و نشان بدهید؛ کار هنرمند این است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۵/۱۲/۲۳)؛ بنابراین در حوزه هنر انقلاب نیز توقع از هنرمند همین است، یعنی «توقع انقلاب از هنر و هنرمند، مبتنی بر نگاه زیباشناختی در زمینه هنر است که توقع زیادی هم نیست (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۰۵/۰۱). در نگاه خاص‌تر، برجسته‌ترین توصیه‌های شکلی و محتوایی رهبری به هنرمندان به قرار زیر است:

❖ توصیه‌های شکلی و ساختاری

یکی از ارجمندترین توصیه‌ها که از دیدگاه نقد هنر بسیار مطرح و قابل توجه است این است که «فرزند زمان خود باشید»؛ عین همین توصیه در سخنان آیت‌الله خامنه‌ای، آن هم در جمع هنرمندان، آمده است که «مرد زمانه خودتان باشید، آدم زمانه خودتان باشید. زمانه شما زمانه مهمی است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۰۶/۰۳). و اینکه هنرمند هر دوره آن کسی است که متعلق به آن دوره و ساخته و پرداخته آن دوره و سراینده آن دوره است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۰۹/۰۴). نکته دومی که باز از منظر نقد هنر قابل توجه است، کاربست شیوه هنری غیرمستقیم است. این دقیقه نیز در توصیه‌های ایشان دیده می‌شود: «ما نباید دائماً در رادیو و تلویزیونمان سخنرانی یا بیانیه اسلامی و دینی پخش کنیم که صریحاً مبانی و مفاهیم ما را ترویج کند، این که راه تبلیغ نیست. شیوه‌های رایج تبلیغ، شیوه‌های غیرمستقیم استفاده بهینه از هنر و روش‌های هنری است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۱۲/۰۷). همچنین کیفیت بالای اثر هنری نیز از نظر دور نیست؛ یعنی اگرچه پیام و محتوا اهمیت دارد، خمیرمایه هنر نیز اهمیت خود را دارد. «وقتی که هنری را در خود یافتید و آن را دنبال کردید و ریشه و چشمه هنر را در خودتان به جوشش آوردید، باید کوشش کنید مایه هنری را نیز غلیظ نمایید» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸/۰۸/۲۱). پیامد این قوت و قدرت هنری، علاوه بر تأثیرگذاری بهتر و ناموری بیشتر، تشخیص و اعتماد به نفس است که به هنرمند می‌بخشد و باعث می‌شود تا هنرمند در مواجهه و مقابله با جبهه متخاصم یا معارض، مرعوب و خودباخته نباشد، چرا که «خود باختگی عناصر جبهه خودی در مقابل شخصیت‌های جبهه دشمن، به خاطر احساس برتری

صنفي آن شخصيت‌ها بر اين عناصر است، اين حقيقت قابل انكار نيست؛ بنده در موارد زيادي ديدم كه هنرمند جبهه خودي، به هنرمند جبهه مقابل به چشمي نگاه مي‌كند كه گويي آن هنرمند بزرگ است» (خامنه‌اي، بيانات، ۱۳۷۳/۰۴/۲۲). اين گونه است كه «هنرمند هم در باب فرم و قالب هنر خودش و هم در قبال مضمون تعهد دارد» (خامنه‌اي، بيانات، ۱۳۸۰/۰۵/۰۱) و «هنر اين است كه انسان مطلب را به شيوه‌تريين شكل و به مؤثرين نحو بيان كند، اما در طرف مقابل هيچ حالت امتناع به وجود نياورد» (خامنه‌اي، بيانات، ۱۳۸۳/۰۹/۱۱). در پايان اين بخش مي‌توان از ساختار طنز نام برد كه به‌عنوان گونه‌اي عام كه در اغلب هنرها ما به ازادارد، مورد توجه و توصيه رهبري است، آنجا كه گفته‌اند «طنز فاخر و برجسته، يكي از هنرهاست، طنز خيلي هنر بزرگي است» (خامنه‌اي، بيانات، ۱۳۸۳/۰۹/۱۱).

❖ توصيه‌هاي محتوايي و جانمايه

اگرچه در زبانزدي عاميانه، ارزش ظرف به مظروف است، ولي در كار هنر بايد گفت ظرف و مظروف هر دو ارجمندي خود را دارند. اصلاً اهميت و شكوه هنر، به برهم زدن آن موازنه و ايجاد هم‌سنگي ميان ظرف و مظروف است، ليكن اين قدر هست كه خوشا ظرف گران‌سنگي كه محتواي گران‌بهايي را در خود دارد، وقتي در اين نظرسنجي گفته مي‌شود «هنر آينه مظهر جمال است» (خامنه‌اي، بيانات، ۱۳۸۸/۰۶/۲۴)؛ پس بايد مظاهر جمال در آن بازتاب داده شود و در باور ما، اهل بيت^(ع) مظاهر شايسته جمال الهي‌اند، از اين رو «عرصه محبت اهل بيت، عرصه شايسته‌اي براي هنرنايي است» (خامنه‌اي، بيانات، ۱۳۸۷/۰۴/۰۴). نيز هنر بايد به معارف حقه الهي متكي و مستند باشد و كار بزرگ هنرمندان اين است كه براي حقيقت مضمون‌سازي كنند (خامنه‌اي، بيانات، ۱۳۹۰/۰۳/۲۵). بعد از آن مظاهر جمال، كار هنرمند بايد گراييدن به سمت مردم باشد. هنرمند بايد زبان مردم باشد، يعني پيام و محتواي هنرش خواست و خواسته مردم باشد. «هنرمندان زبان رساي هنر را در خدمت انقلاب و اسلام- كه عزيزترين سرمايه مردم است- به كار گيرند و اين عطيه الهي را صرف تعالي افكار مردم كنند و هنر را آمزش با مظاهر زبان‌بار فرهنگ بيگانه رها سازند. هنر را با حفظ تعالي آن، به ميان مردم برند و در ذهن و دل آنان وارد كنند و از شكل كالاي تجملي و مخصوص گروه‌ي خاص خارج سازند» (خامنه‌اي، بيانات، ۱۳۶۸/۰۴/۲۳). در ديدگاه آيت‌الله خامنه‌اي «هر جا مردم هستند، ادبيات هست و شعر و هنر است و آن‌چنان هست كه مردم مي‌انديشند و

می‌خواهند و هر چه جز آن است، نه دل‌نشین است و نه ماندگار» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۳/۰۹/۰۴). به همین دلیل گرانیگاه هنر در جامعه امروزین ما انقلاب و دفاع مقدس است و توقع از هنرمندان دیدن زیبایی‌های این رویداد عظیم است؛ خاصه آنجا که هنر جان بازی و فداکاری روی می‌نماید. «شما در عالی‌ترین آثار دراماتیک دنیا، آنجایی که به فداکاری یک انسان برخورد می‌کنید، او را تحسین و ستایش می‌کنید. وقتی فیلم، آهنگ، تابلوی نقاشی زندگی فلان انقلابی، مثلاً سرباز فلان کشور را برای شما به تصویر می‌کشند، در دل و باطن وجدان خودتان نمی‌توانید کار او را تحسین نکنید. هزاران حادثه با ارزش‌تر و بزرگ‌تر از آنچه در این اثر هنری نشان داده شده، در دوران هشت سال دفاع مقدس و در خود انقلاب در خانه خود شما اتفاق افتاد: آیا این زیبایی نیست؟ هنر می‌تواند از کنار این قضیه بی‌تفاوت بگذرد؟ توقع انقلاب این است و توقع زیاده خواهانه ای نیست» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۰۵/۰۱) و چنان‌که اشاره شد «کار هنری در زمینه دفاع مقدس، یکی از برترین کارهاست» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۰۶/۲۴). موضوع و موضع دیگر در باب جان‌مایه در این دیدگاه، استکبارستیزی تهییج و تحریض مردم بر این امر با ابزار هنر است؛ «یک ملت، به جرم تسلیم نشدن در مقابل تمایل مستکبرانه قدرت‌های جهانی، محکوم می‌شود که با همه ابزاری، از جمله ابزار هنر، با او به شدت مبارزه شود، همان‌گونه که عرض کردم، سازمان سیا بخش هنری دارد و فیلم‌هایی که بعد از انقلاب، علیه ما و علیه شیعه و اسلام درست کردند، بسیار زیاد است. شما که یک فیلم‌ساز و سینماگر، بازیگر سینما و تئاتر، موسیقیدان و آهنگساز ایرانی هستید و این واقعیت و مظلومیت را ادراک می‌کنید، تکلیفتان چیست؟ آیا هیچ تکلیف مردمی وجود ندارد؟ به‌طور طبیعی توقع از هنرمند هر کشوری وجود دارد، چطور می‌تواند نسبت به این قضیه بی‌تفاوت بماند، در حالی که دشمن از ابزار هنر استفاده می‌کند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۰/۰۵/۰۱).

ذکر دو نکته ظریف بسیار ارزشمند و با اهمیت است که نشان از دقت نظر آیت‌الله خامنه‌ای در امور دارد و البته در پیوند با محور بحث نیز هست. نخست، اینکه «ما وقتی شعرمان [قابل تعمیم به کل هنرها] را در خدمت مفاهیم عالی اخلاقی، در خدمت توحید، در خدمت بیان فضایل اهل بیت، در خدمت ارزش‌های اخلاقی، در خدمت سرفصل‌های منافع ملی و انقلابی قرار می‌دهیم، این جور نیست که فقط به آن ارزش‌ها و آن معارف خدمت کرده باشیم، به شعر

خودمان هم خدمت کرده‌ایم، شعر ارتقا پیدا می‌کند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۰۲/۳۰). دیگر نکته، به‌عنوان هشدار شایسته به هنرمندان این است که «انقلاب برای حرکت سازنده خود در انتظار این و آن نمی‌ماند. این رهروانند که برای جدا نماندن از قافله حیات و کمال باید گردونه انقلاب را دریابند و بدان چنگ زنند. صدای انقلاب به همه سرایندگان و نویسندگان و هنرمندان، در حقیقت دعوت به رستگاری است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۳/۰۹/۰۴).

۲-۳. پیوند هویت و هنر در نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای

فکر، معیار «چه گفتن» است و هنر، عیار «چگونه گفتن». رابطه هنر با فکر همان رابطه ظرف و مظروف است. اگر بپذیریم که فکر معیار چه گفتن است و هنر عیار چگونه گفتن، در واقع هنر را آرایه فکر دانسته‌ایم که چنین نیز هست. جز آن که ممکن است هر یک از این دو مؤلفه در ساحت خود منفرد ولی در کنار هم حضور داشته باشند. بدین معنی که ساحت فکر و ساحت هنر، دو حقیقت متعالی در حیات بشرند اما پیوند آن‌ها می‌تواند هر دو را تعالی افزون‌تری ببخشد. نکته دقیق در این میان آن است که هنر می‌تواند در ذات خود، فکر هم باشد، اما فکر در ذات خود، هنر نیست. هرچند که می‌تواند مقبول و پسندیده باشد، پس برای آراستگی ناگزیر است تا به شکل هنر درآید. تمام سخن ما در این مقاله بیان همین نکته است که هنر آرایه، لعاب، جلا و جلوه اندیشه و فکر است. در این میان اگر نسبت هویت با فکر را نشان بدهیم، رابطه هویت با هنر را نیز بیان کرده‌ایم. عنصر هویت حتی در ذات واژگانی خود پرسش و درنگ ذهن را تعبیه دارد؛ یعنی وقتی از آن به چستی تعبیر می‌شود، در حقیقت مفهوم و فحوی سؤال در آن نهفته است و سؤال نخستین و مهم‌ترین ابزار اندیشه است. اگر امروزه مفهوم هویت در دانش فلسفه، در کنار تاریخ و جامعه‌شناسی، دغدغه ارجمندی به شمار می‌رود به همین ذات پرسشگرانه آن و پیوند آن با ساحت اندیشه و فکر بر می‌گردد. در دو مبحث گذشته، جایگاه هویت و هنر را در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای تبیین و تشریح کردیم، اینک رابطه متقابل این دو مؤلفه و فایده‌مندی هر یک برای دیگری را، در همین نظرگاه، بازمی‌نماییم.

۲-۳-۱. جبهه روشنفکری نوین

روشنفکری به مفهوم خاص آن، در کشور ما، قدمتی بیش از یک قرن ندارد. اما آنچه از روشنفکری در ذهن‌ها باقی مانده است، معارضه‌ای است که این جریان با دین و مظاهر آن داشته است. از دیگر سو روشنفکری در ایران و بلکه بلوک شرق میزان قابل توجهی، گرایش به غرب داشته است و کمتر از نمودهای هویت ملی سود برده یا سخن گفته است. «بعد از پیروزی انقلاب، روشنفکری در ایران برنیفتاد، اما در واقع یک روشنفکری نوین به وجود آمد. در دوره انقلاب، شاعر، نویسنده، منتقد، محقق، کارگردان، سینماگر، نمایشنامه‌نویس و نقاش از دو قشر پدید آمد. یکی از عناصری که انقلاب این‌ها را به وجود آورده بود و دوم عنصری که از دوره قبل بودند و انقلاب این‌ها را به کلی قلب ماهیت کرده بود. برای اولین بار بعد از گذشت تقریباً صد سال از آغاز تحرک روشنفکری در ایران، روشنفکری بومی شد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۷/۰۲/۲۲).

درنگ در سخنان بالا و دنبال کردن عناصر این‌گونه از روشنفکری در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای نشان می‌دهد که توجه به دو بنیان هویت، یعنی ایران (به‌عنوان وطن) و اسلام (به‌عنوان دین و باور) اساس تشکیل جریان روشنفکری جدید یا نوین است، چرا که در ادامه می‌خوانیم: این‌ها برای اولین بار در این کشور مثل یک ایرانی فکر کردند، مثل یک مسلمان حرف زدند، محصول روشنفکری و هنری و ادبی تولید کردند؛ این شد یک دوران جدید. اینک اگر به برترین چهره‌های روشنفکری در ایران نگاه کنیم، بیشتر آنان را در میان شاعران، نویسندگان و هنرمندان می‌یابیم و این همان نقطه اتصال اندیشه و هنر است.

۲-۳-۲. پیوند تمدن‌سازی و هویت با هنر

مؤلفه‌های هویت، به اعتبار عنوان «ما» که در بحث هویت مورد توجه است، غالباً مجموعه‌ای از افراد را نظیر میهن، گروه، هم‌وطنان یا هم‌کیشان را هم‌گروه می‌کند. چنانچه این گروه پدید آمد، می‌تواند عناصر و آثار تمدنی و همگرایی خود را نمودار کند. بر این اساس، در جامعه گسترده مسلمان «هدف نهایی نمی‌تواند چیزی کمتر از ایجاد تمدن درخشان اسلامی باشد. امت اسلامی در قالب ملت‌ها و کشورها، باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد. شاخصه اصلی و عمومی این تمدن، بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی

است و رسانه‌های مدرن تا هنر و سینما، همه از لوازم این تمدن‌سازی است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹). از دیگر سو در نظرگاه ایشان، تبلیغ و ترویج این مظاهر تمدن‌سازی، نظیر معارف قرآنی و مبانی دینی، باید به‌طور گسترده و پی در پی در آثار هنری بازتاب داده شود و «آن‌قدر تکرار شود، آن‌قدر کار شود، آن‌قدر درباره‌اش تحقیق شود، آن‌قدر بنویسند، آن‌قدر شعرا و ادبا و هنرمندان درباره آن کار هنری بکنند که این‌ها بشود جزو واضحات و بیانات جامعه اسلامی» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۰۲/۰۷).

۲-۳-۳. خدمت دو سویه هویت و هنر

از نکته‌های ظریف پیوند هویت و هنر که در سخنان آیت‌الله خامنه‌ای بازتاب دارد، خدمت دوسویه هنر و ارجمندی محتواسست، بدین معنی که بازتاب محتوای متعالی، هنر را نیز تعالی می‌بخشد. طبعاً این پیام متعالی می‌تواند سویه هویت داشته باشد. کما اینکه در هنر امروز ما، این‌گونه است. از این رو وقتی ما هنر خود را «در خدمت ارزش‌های اخلاقی، در خدمت سرفصل‌های منافع ملی و انقلابی قرار می‌دهیم، این جور نیست که فقط به آن ارزش‌ها و به آن معارف خدمت کرده باشیم؛ به شعر خودمان هم خدمت کرده‌ایم» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۰۲/۳۰). روشن است که این پیوند باعث می‌شود، هنر و هنرمند هر دو دیده شوند و در دیدگاه مخاطبان ارج و قرب بایسته پیدا کنند و هویت ملی به خود بگیرند، چنانکه در توصیه به شاعران می‌گویند: «در اشعار خود زیبایی‌های رفتار ملت، همانند حماسه زیبا و پرشکوه حضور فداکارانه مردم در کمک به سیل‌زدگان را به تصویر بکشید، زیرا این کار، شعر شما را به پرچم هویت ملی تبدیل می‌کند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۰۲/۳۰). هم بر آنچه گذشت باید این نکته را نیز افزود که کشمکش‌هایی که بر اثر هویت‌جویی و هویت‌یابی، نظیر حوادث بزرگ، انقلاب‌ها و جنگ‌ها روی می‌دهد، خود میدان وسیعی را برای عرضه و خلق هنری پیش‌روی هنرمندان می‌گشاید و در فرجام، بالندگی هنر را سبب می‌شود. چرا که «یکی از عواملی که هنر و ادبیات را در هر کشوری به شکوفایی می‌رساند، حوادث سخت از جمله جنگ است. زیباترین رمان‌ها، بهترین فیلم‌ها و شاید بلندترین شعرها، در جنگ‌ها و به مناسبت جنگ‌ها نوشته شده، به تصویر کشیده شده، سروده شده و به وجود آمده است؛ در جنگ ما هم همین‌طور بود» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۷/۰۲/۰۲). در جای دیگر نیز آورده‌اند که

«دوره سختی برای یک کشور، چه سختی جنگ باشد چه سختی اقتصادی باشد چه فشارهای گوناگون سیاسی باشد، دوره نشان دادن ظرفیت‌هاست؛ لذا آثار هنری هم که انسان نگاه می‌کند، یا بخش‌های زیبای بهترین آثار هنری، مربوط به همین دوره‌های این کشورهاست. شیرین‌ترین و هنرمندانه‌ترین نوشته‌های هنری و رمان‌های بزرگ، مربوط به بخش‌هایی است که ملتی دارد کار بزرگی از این قبیل انجام می‌دهد. «جنگ و صلح» تولستوی مربوط به مقاومت عجیب مردم روسیه است در مقابل حمله ناپلئون، تولستوی کتاب‌های دیگری هم دارد، اما به نظر من این کتاب برجستگی‌اش به خاطر این است که کاملاً بر محور روح دفاع مردم روسیه است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۰۶/۳۱). از دیگر سو، مبانی هویت نیز با نقش‌آفرینی هنر، تقویت می‌گردد و استحکام می‌پذیرد. «من می‌خواهم اهمیت کار را توجه بکنید. فیلمی که این آقا می‌سازد، کتابی که آن آقا می‌نویسد، در واقع یک تزریق سیمان است به این پایه‌هایی که می‌خواهیم این‌ها را مستحکم کنیم. می‌خواهیم این‌ها را ماندگارتر کنیم. تقویت پایه‌هاست. تقویت پایه‌های پیشرفت کشور است. تقویت هویت ملی است، خیلی با ارزش است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۰۳/۰۳).

۲-۳-۴. هنر ابزار مبارزه و معارضة با هویت‌سوزی

موضوعی که در پیوند با هویت سیاسی یا به تعبیر دقیق هویت انقلابی ما بسیار مورد توجه است، مبارزه و معارضة‌ای است که با مظاهر هویت‌ساز صورت می‌گیرد و در حقیقت در پی هویت‌سوزی است. این رفتار البته بیشتر از سوی غرب صورت می‌گیرد، گرچه گاه عواملی را نیز در داخل برای همین منظور پرورش می‌دهند. «یکی از نکاتی را که باید در مواجهه با دنیای غرب کاملاً به آن توجه داشت، عمال و ابزار هنری است که در اختیار غربی‌هاست. این‌ها از هنر حداکثر استفاده را کرده‌اند برای ترویج فرهنگ غلط، منحط و هویت‌سوز» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳). چنان‌که در ادامه همین مطلب نیز آمده است، این حرکت هویت‌سوز، بیش از هر چیز، با هنر سینما و تولید فیلم در بنگاهی مثل هالیوود صورت می‌گیرد؛ از این‌رو رهبری از هنرمندان می‌خواهند که «بیایند مناظر به یاد ماندنی انقلاب را در فیلم‌نامه‌های بسیار هنرمندانه و انسانی و حاکی از اوج درک و فهم نویسنده- که انسان گاهی این معنی را مشاهده می‌کند- تصویر کنند، بعد نمایش بدهند. خلأ فیلم‌های خارجی را در

اینجا پر کنند. به نظر من تکلیف اصلی این است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۱۱/۰۷). جالب اینکه ایشان بیش از هر شخصیت سیاسی دیگر و هر فعال هنری یا فرهنگی دیگر این عناد و کینه‌ورزی و فعالیت‌های دشمنانه را می‌بینند و تذکر می‌دهند و راهکار ارائه می‌نمایند که منحصراً راهکارهای ایشان تقویت هنر و تولید هنری فاخر و اثرگذار است؛ «من دارم می‌بینم صحنه را، می‌بینم صف آرای‌ها را علیه انقلاب و علیه امام و علیه همه این آرمان‌ها و علیه همه کسانی که به این حرکت عظیم دل بسته‌اند. این‌ها را انسان دارد می‌بیند، خب چه کار کند؟ این تمام نشده. چون تمام نشده همه وظیفه داریم. وظیفه مجموعه فرهنگی و ادبی و هنری وظیفه مشخصی است: بلاغ، تبیین. بگویید، خوب بگویید. من همیشه تکیه بر این می‌کنم، باید قالب را خوب انتخاب کنید و هنر را باید تمام عیار توی میدان بیاورید. نباید کم گذاشت تا اثر کند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۰۶/۱۴). در جای دیگر نیز تأکید کرده‌اند: «امروز ما به‌عنوان یک ملتی که چون زنده است، چون احساس هویت وجود می‌کند، پس دشمن‌های بزرگی هم دارد، مواجهیم با دشمنی‌هایی از راه‌های مختلف و از جمله به شیوه استفاده‌های هنری و بیش از همه، هنر نمایش. این نشان می‌دهد که ما به‌عنوان یک ملت زنده، به‌عنوان یک مجموعه‌ای که در دنیا حرفی برای گفتن داریم و هدفی داریم، چقدر باید روی هنرهای نمایشی اهتمام بورزیم و سرمایه‌گذاری مادی و معنوی کنیم» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۰۴/۱۲).

۲-۳-۵. پیوند هویت اسلامی و هنر

در کارکردهای هنر گفته شد که ماندگاری و جاذبه دو ویژگی مهم هنر است که بشر را به‌سوی هنر و تکریم آن کشانده است و در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای آمده است که «اگر از ابزار هنر در کارهای علمی و القائات فکری و علمی استفاده شود، ماندگاری و جاذبه آن کارها مضاعف خواهد شد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۰۲/۲۸)؛ به همین جهت ایشان در بحث هویت خاصه هویت اسلامی بحث استفاده از هنر و پیوند با هنر را مورد توجه دارند و معتقدند «هنر اگر با روح دیانت همراه شود، عالی‌ترین وسیله تبلیغ ارزش‌های اسلامی و انقلابی و انسانی است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۷/۰۲/۱۸). این که در تعبیری، کار هنرمندان، عمل انبیا خوانده شده است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۰۶/۱۴)، نسبتی معنوی برای هنر و هنرمند رقم خورده

است و در نظرگاه حاضر، موضوع معنویت و معصومین بسیار مورد توجه است و در عرصه‌گاه هویت اسلامی، «عرصه محبت اهل بیت، عرصه شایسته‌ای برای هنرنمایی است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۷/۰۴/۰۴). همچنین تأکید می‌گردد که «آن آهنگی که مردم را به یاد معنویت و حقیقت و خدا می‌اندازد آن را پخش کنید، یا با شعری همراهش کنید که آن شعر این خصوصیت را داشته باشد.» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۱۲/۰۵). اصولاً در این دیدگاه پیوند هنر و هویت دینی یعنی اینکه «هنری را هنر دینی بدانیم که از ابتدال و استحاله هویت انسان و جامعه پرهیز داشته باشد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۸/۰۸/۲۲). همچنین پیوند هنر و هویت دینی، یعنی «این نعمت خدا دادی را در خدمت جریان نبوت و هدایت از سوی پروردگار قرار دهیم» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۰۲/۳۰).

۲-۳-۶. پیوند هویت ملی و هنر

نخستین سخن در این باره آن که آیت‌الله خامنه‌ای باور دارند «سرزمین ما، سرزمین هنر است؛ یعنی هنر جهانی از هزار سال پیش به این طرف، در مجموع مدیون سرزمین ماست، مدیون زبان فارسی است، مدیون هنرمندان ایرانی است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۰۷/۱۵). هم اگر هنر هویت آن است که عده‌ای را هم‌گروه کند و «ما» را پدید بیاورد، یکی از عناصر هویت، زبان است که جمع‌کنندگی را هم‌گروه می‌کند، البته این کار، از هنری، مانند شعر بهتر برمی‌آید و چون «شعر در جمع فارسی‌زبان‌ها کالایی برگزیده است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۱/۰۲/۰۲)، پیوند هنر و هویت ملی در اینجا نیز شکل می‌گیرد. وظیفه هنر در قبال هویت ملی آن است که «عشق به فرهنگ و میهن را در مردم پدید آورد و این البته کاری درخشان است و کشور را در برابر امواج تهاجم فکری و فرهنگی بیمه می‌کند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۸/۰۳/۰۵) و اینکه «ارزش‌های ملی را تقویت می‌کند. ارزش ملی یعنی احساس استقلال یک ملت، استقلال فرهنگی در مقابل القای دویست ساله فرهنگ غربی» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۵/۰۳/۲۳). همان‌گونه که اشاره شد، یکی از مهم‌ترین مظاهر هویت ملی، زبان و ادبیات است و به تعبیر برخی از اهل بینش، «ادبیات فارسی جامع‌ترین ظرفی است که هویت ایرانی را در خود جای داده است» (دانش‌پژوهان، ۱۳۹۸) و از آنجا که ادبیات، ظرفی به‌جز زبان ندارد، پس باید زبان، به‌عنوان عامل شناخت هویت، حفظ شود، از این‌رو آیت‌الله خامنه‌ای، پیوسته، اهمیت زبان و

پاسداشت آن را تذکر می‌دهند و صراحتاً ابراز می‌دارند که «من راجع به زبان فارسی حقیقتاً نگرانم، زیرا در جریان عمومی، زبان فارسی در حال فرسایش است. من از صدا و سیما گله‌مندم، به دلیل اینکه جای ترویج زبان صحیح و معیار و زبان صیقل خورده و درست، گاهی زبان بی‌هویت و تعابیر غلط را ترویج می‌کند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۸/۰۲/۳۰).

۲-۳-۷. پیوند هویت فرهنگی و هنر

بر کسی پوشیده نیست که هنر، خود زیر مجموعه فرهنگ است، بنابراین هنر بیشترین پیوند را، در میان گونه‌های هویت با مؤلفه فرهنگ دارد. در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، جامعه متعالی همه‌چیز را در خدمت فرهنگ می‌بیند؛ «سیاست در خدمت فرهنگ است، اقتصاد در خدمت فرهنگ است، هنر در خدمت فرهنگ است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۰۶/۰۸). از این‌رو «اولویت مهم کشور فرهنگ است» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۵/۰۶/۰۳)؛ در این دیدگاه، فرهنگ به نفس مفهوم هویت بسیار نزدیک است، بدین معنی که «فرهنگ هویت یک ملت است، ارزش‌های فرهنگی، روح و معنای حقیقی یک ملت است، همه‌چیز مرتبط با فرهنگ است. فرهنگ حاشیه و ذیل اقتصاد نیست، حاشیه و ذیل سیاست نیست، اقتصاد و سیاست حاشیه و ذیل فرهنگ‌اند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۲/۰۹/۱۹)، بدین جهت «اگر فرهنگ در کشوری دچار انحطاط شود و یک کشور هویت فرهنگی خودش را از دست بدهد، حتی پیشرفت‌هایی که دیگران به آن کشور تزریق کنند، نخواهند توانست آن کشور را از جایگاه شایسته‌ای در مجموعه بشریت برخوردار کند» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۳/۰۲/۲۸). می‌توان نتیجه گرفت که هنر، به دو دلیل با فرهنگ پیوند دارد و همان خدماتی را که به سایر گونه‌ها ارزانی می‌کند، به فرهنگ نیز عرضه می‌دارد، نخست، آنکه هنر از جنس خود فرهنگ است، پس آن را بهتر از سایر مؤلفه‌ها می‌شناسد و حتی بیشتر از سایر مؤلفه‌ها به آن رغبت و علاقه‌مندی دارد؛ دیگر این که هویت فرهنگی بر سایر هویت‌ها، استیلا و استعلا دارد. از این‌رو حتی باید گفت پیوند این دو بیش از سایرین و عمیق‌تر از آن‌هاست. دلیل از این‌راسخ‌تر بر پیوند هویت فرهنگی و هنر، در نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای نمی‌توان یافت که تأکید دارند، نه تنها ادبیات و هنر، بلکه علم باید در خدمت فرهنگ باشد (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۱/۱۱/۰۸) و بر خلاف نظر بسیاری

از ارباب سیاست، هشدار می‌دهند: «عزیزان من، فرهنگ از اقتصاد هم مهم‌تر است، چرا؟ چون فرهنگ به معنای هوایی است که تنفس می‌کنیم» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۰۱/۰۱).

۲-۳-۸. پیوند هویت انقلابی و هنر

در سطرهای پیشین، دلیل جایگزینی هویت انقلابی، به جای هویت سیاسی به میان آمد، اینک اضافه می‌گردد که تفاوت عمده وجه انقلابی با وجه سیاسی در دو چیز است، در هویت انقلابی آرمان‌خواهی مد نظر است؛ حال آنکه هویت سیاسی ممکن است بیشتر بر منفعت‌طلبی استوار باشد. دیگر این که در هویت انقلابی، دیگر خواهی سائق و انگیزه محسوب می‌شود، حال آن که در هویت سیاسی، خودخواهی بیشتر منظور نظر است. اما در ذیل عنوان حاضر، تأکیدمان بر هم‌سویی و پیوند هویت انقلابی با گونه‌های هنر است که در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای بازتاب قابل توجهی دارد. نخست از ارزش‌هایی می‌گویند که انقلاب به هنر ما بخشیده است؛ افق‌هایی که به دلیل وقوع انقلاب بر هنرها گشوده شده و چشم‌اندازهایی که از حوادث آن در هنر معاصر پدیدار گشته است. آنجا که گفته‌اند: «برای حوزه هنر کشور، یکی از مهم‌ترین جلوه‌ها، دوره جنگ تحمیلی بر ما و دوره دفاع مقدس بوده و هنوز هم هست، باید از این استفاده کرد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۰۶/۳۱)، دیگر آن که «انقلاب افق‌های جدیدی را در مقابل چشم ما باز کرد و حقایقی را نشان داد و واقعاً شعر را از آن حالت ذهنی و تخیلی محض و غیر واقعی خارج کرد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۰/۱۲/۰۵). اهمیت کار در این حوزه و موضوع تا بدانجاست که «کار هنری در زمینه دفاع مقدس، یکی از برترین کارهای هنری» شناخته شده است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۸/۰۶/۲۴). اصولاً در این دیدگاه، هدف هنر «خدمت به اهداف و مفاهیم انقلاب است، خدمت به عدالت، خدمت به انسانیت، به دین، به وحدت، به رفعت ملی و پیشرفت همه‌جانبه کشور» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۴/۰۴/۱۰). در پرتو هویت انقلابی که از آن به دیگر خواهی تعبیر شد، اصل مردم هستند و «هر جا مردم هستند، ادبیات هست و شعر و هنر هست و آن‌چنان هست که مردم می‌اندیشند و می‌خواهند و هر چه جز آن است نه دل‌نشین است و نه ماندگار» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۶۳/۰۹/۰۴) و «حق‌گویی، حق‌طلبی و انتصار مظلوم با زبان هنر» مصداق بارز دیگرخواهی و روحیه و رویه انقلابی است (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۳/۰۴/۲۱).

۳. نتیجه‌گیری

در این مقاله که بر سه مبحث بازشناسی انواع هویت، تعریف هنر و کارکردهای آن و نهایتاً پیوند این دو مؤلفه در نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای استوار بود، دریافتیم تعریف آیت‌الله خامنه‌ای از هویت و ابعاد و انواع آن، تفاوت چندانی با تعاریف ارباب نظر در این حوزه ندارد. در این نظرگاه، هویت ملی و هویت دینی یا اسلامی، هم‌سویی و همراهی قابل توجهی دارند و هرگز تأکید بر یکی، توجه از دیگری را باز نداشته است. همچنین روشن شد که تمام منافع ملی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، در هم‌سویی با هویت ملی تعریف می‌شوند و در پی این هم‌سویی است که این موارد منفعت یا سودمندی تلقی می‌گردند.

همچنین روشن شد که بیماری بحران هویت، با تقویت، تشریح و تبیین هویت‌های سه‌گانه ملی، دینی و فرهنگی درمان‌پذیر است. هویت فرهنگی مشرف بر همه مؤلفه‌ها و ممتاز بر آن‌ها، از جمله سیاست و اقتصاد است و در این میان گونه نوپدید هویت سیاسی، در نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای با عنوان هویت انقلابی مطرح است. در این دیدگاه، هویت انقلابی، زبان سه هویت ملی، دینی و فرهنگ است و هنر در دیدگاه ایشان بدان جهت که عطیه الهی است، مأموریتی از گونه تبلیغ و رسالت پیامبران دارد. چرا که هنر ذاتاً متعهد است، خاصه وقتی به سرچشمه‌ای معنوی و الهی وصل باشد. اگرچه در این میان آفرینش و پیشرفت هنر، منوط به دو مقدمه واجب است، یکی هنرمند و تربیت آن، دوم تشویق و حمایت وی.

همچنین دریافتیم که در تاریخ معاصر ایران و به دلیل دیدگاه متفاوت انقلاب اسلامی، جبهه روشنفکری نوینی که ابزار کارآمد هنر را نیز در اختیار دارد شکل گرفته است و از نکات دقیق دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، خدمت دو سویه گونه‌های هویت و هنر است. در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای عرصه هویت و هنر انقلاب، همواره جبهه‌ای معارض و معاند در مقابل خود دارد که به‌خوبی از ابزار هنر برای هویت‌سوزی سود می‌برد. اما خوشبختانه هنر دینی عرصه گسترده‌تر، پرمعناتر و فطرت‌گرایانه‌تری دارد و بدین سبب از اثرگذاری و مانایی بیشتری برخوردار است و هویت‌سازی سزآمدی صورت می‌دهد و قابل توجه این که بر پایه نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای، در این مقاله تبیین شد که هویت، هنر و عرصه جهانی آن، به هنر ایران و هویت ملی ما مدیون است و فرجام سخن این که هنر انقلابی، هویت خود را در مردم‌گرایی، دیگرخواهی و حمایت از مظلوم و ستمدیده، دیده است.

فهرست منابع

- ابوالحسنی، سید رحیم (۱۳۸۷). مؤلفه‌های هویت ملی با رویکردی پژوهشی، فصلنامه سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۴.
- احمدی، حمید (۱۳۸۸). بنیادهای هویت ملی ایرانی، چهارچوب نظری هویت ملی شهروندمحور. تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- اشرف، احمد (۱۳۹۵). هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی. به ترجمه حمید احمدی، تهران: نشر نی.
- افتخاری، اصغر؛ اسدی، علیرضا؛ نزهت، ابراهیم (۱۳۹۳). ناسیونالیسم و هویت ملی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای. فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، سال سوم، شماره ۱۱.
- افروغ، عماد (۱۳۸۷). هویت ایرانی و حقوق فرهنگی. تهران: سوره مهر.
- آل طه، سید حسین؛ غلامعلی صفری (۱۳۹۴). بررسی عناصر هویت انقلاب اسلامی. مجموعه مقالات دومین کنگره بین‌المللی تفکر و پژوهش دینی، ۱۶ مهرماه.
- آلبرو، مارتین (۱۳۸۰). مقدمات جامعه‌شناسی. به ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- برکت، بهزاد (۱۳۸۶). هویت و بازتاب آن در ادبیات معاصر ایران. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- بروجردی، مهرزاد (۱۳۹۶). روشنفکران ایرانی و غرب. تهران: فروزان فر.
- بشیر، حسن؛ زارع، ابوزر؛ همزاده، حسین (۱۳۸۷). هنر از دیدگاه رهبری، مجله نامه صادق، سال ۱۵، شماره ۱.
- بهبودی، هدایت‌الله (۱۳۹۱). شرح اسم یا زندگی‌نامه آیت‌الله خامنه‌ای. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- پاشایی، محمدرضا؛ علوی مقدم، سید بهنام (۱۳۸۸). نقش زبان و ادب فارسی در هویت فرهنگی، مجموعه مقالات، شماره ۶۲.
- جنیکز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی، ترجمه تورج احمدی. تهران: شیرازه.
- جهانبگلو، رامین (۱۳۸۸). موج چهارم، به ترجمه منصور گودرزی، تهران: نشر نی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸-۱۳۹۸). مجموعه بیانات آیت‌الله خامنه‌ای. در سایت Khamenei.ir
- خامنه‌ای، سید علی. (بی‌تا). نرم‌افزار حدیث ولایت - مجموعه رهنمودهای آیت‌الله خامنه‌ای، تهران: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای.

- دانش پژوهان، منوچهر (۱۳۹۸). ادبیات و هویت ملی، روزنامه اطلاعات، دوشنبه ۱۲ اسفندماه، ۱۳۹۸.
- عابدین پور، وحید؛ سمایی، معصومه (۱۳۸۹). علل تحول خوشنویسی و پیوند آن با هویت ایرانی در دوره صفوی. مجله تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهرا. دوره ۲؛ شماره ۲۸.
- علیخانی (۱۳۸۶). هویت فرهنگی ایرانیان و عقب‌افتادگی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۹۸). هویت، به ترجمه رحمان قهرمان پور، تهران: روزنه.
- قبادی، حسین علی (۱۳۸۹). ادبیات فارسی انقلاب اسلامی و هویت ایرانی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و جهاد دانشگاهی.
- قربانی، قدرت الله (۱۳۸۳). هویت ملی از دیدگاه استاد مطهری. فصلنامه مکالمات ملی، سال پنجم، شماره ۲.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۲). هویت ملی در شعر پثرمان بختیاری. فصلنامه مطالعات ملی، سال پنجم، شماره .
- گوهری مقدم، ابوزر؛ فیضی، رضا؛ باباهادی، محمداقبر (۱۳۹۷). بررسی مفهوم هویت و منافع ملی و رابطه بین آن‌ها در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، مجله امنیت ملی، دوره ۸، شماره ۲۸.
- الله‌یاری، فریدون؛ عابدین پور، وحید (۱۳۸۹). علل تحول خوشنویسی و پیوند آن با هویت ایرانی در دوره صفوی. فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۴۳.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۷). هویت ایرانی در آستانه سده بیست و یکم. مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۲۹ و ۱۳۰.
- مسکوب، شاهرخ (۱۳۹۴). هویت ایرانی و زبان فارسی. تهران: فرزانه روز.
- نوروزی، علی مدد (۱۳۹۷). زبان و سطوح هویت، پژوهش‌نامه تاریخ، سیاست و رسانه، شماره ۳.